

خلاصه مقالات منتخب هاشمی

# حکیم علوی ولایت

بیت دشمن هاشمی حکیم ملاصدرا

کیم فردا، ۱۴۰۱، تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# حکمت، حکومت، ولایت

چکیده مقالات برگزیده

بیست و ششمین

همایش بزرگداشت حکیم صدرالمতلهین شیرازی

(ملاصدرا)

خرداد ۱۴۰۱، تهران



نهاد حکمت اسلامی صدر



توزیع رایگان



## فهرست

- پیشگفتار ..... ۹
- حکومت شایسته بشر از نگاه اسلام و عقل ..... ۱۳  
آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای
- «ولایت» ملاکی برای مشروعیت و مردم‌سالاری در حکومت دینی ..... ۱۸  
محسن ابراهیمی
- جایگاه ولایت‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی انسان با تکیه بر حکمت نظری  
و عملی آیت‌الله جوادی آملی ..... ۱۹  
فرشته ابوالحسنی نیارکی، سیده فاطمه حسینی
- نقش ولایت‌پذیری اهل بیت علیهم السلام در امنیت فردی دانش‌آموزان ..... ۲۰  
کبری احمدوند، محمدحسین دارایی، زهراتقی زاده قوام، عباس عبدلی
- نقش ولایت‌پذیری ائمه اطهار علیهم السلام در تربیت دانش‌آموزان ..... ۲۱  
کبری احمدوند، محمدحسین دارایی، زهرا تقی‌زاده قوام
- نقش عملی حکمت متعالیه در سیاست ..... ۲۳  
رسول برجیسین
- نسبت حکمت و حکومت در قرآن و تأثیر آن بر اندیشه سیاسی شیخ‌اشراق ..... ۲۵  
حسن بلخاری قهی
- مبانی هشتگانه ملاصدرا در اثبات ولایت عالمان دین ..... ۳۲  
مهدی بیات مختاری
- قدرت و خرد ایرانی ..... ۳۵  
قاسم پورحسن
- بررسی تطبیقی مبانی هستی‌شناختی مدینه فاضله در فلسفه اسلامی (رابطه عقل  
و وحی) ..... ۳۸  
محسن پیشوایی علوی
- حکومت عاقله و فاضله در حکمت فلسفی فارابی ..... ۳۹  
سینا ترکاشوند، الهه علیمحمدی

- ۴۱.....حکومت و عدالت در حکمت سعدی.....  
عبدالغفور جامی رودی، محمدسعید جامی رودی
- ۴۲.....ویژگیهای فلسفه سیاسی متعالیه و غیرمتعالیه.....  
علی اصغر جعفری ونلی، سید حسین وارسته حسینی نژاد، محمد مداحی
- ۴۵.....مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه ملاصدرا.....  
علی اصغر جعفری ونلی، سیده فاطمه نیک سیما
- ۴۶.....مفهوم‌پردازی ساختار و بازسازی ساختار فرهنگی از منظر حکمت متعالیه.....  
علی جوادی
- ۴۹.....نقش حکمت متعالیه در بنیانهای فکری انقلاب اسلامی ایران.....  
زهرا حبیبیان
- ۵۰.....برتری عدالت بر جود و جور در فلسفه سیاسی امام علی (ع).....  
عبدالرزاق حسامی فر
- ۵۲.....حکیم حاکم در اندیشه سهروردی.....  
سهراب حقیقت
- ۵۳.....مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه ملاصدرا.....  
معصومه حلیمی، اعلی تورانی
- ۵۴.....سیاست در فقه تهران (گذری تاریخی از مدرسه مروی تا تأسیس حاکمیت دینی).....  
حمیدرضا خادمی
- ۵۵.....مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره).....  
اصغر رجبی ده‌برزوئی، محمد بیدگلی
- ۵۶.....نظریه نبوت و ولایت نزد حکمای مشائی.....  
رضا رسولی شریبانی، مرضیه اخلاقی، ابراهیم امرانی
- درونی‌سازی ارزش ولایت‌پذیری در منش و شخصیت متربیبان بر پایه رویکرد  
تربیت منش و شخصیت توماس لیکننا.....
- ۵۷.....  
مهدی رضایی
- ۵۸.....رئیس حکومت و ویژگیهای او از نظر ملاصدرا (بر پایه کتاب مبدأ و معاد).....  
علی اصغر زکوی، محمد ملائی ایوبلی

- چشم‌اندازی بر ارزشهای سیاسی در فرهنگ اسلام از منظر امام علی (ع) با رویکردی بر کتاب شریف نهج‌البلاغه ..... ۶۰  
حسین سلطان محمدی، فاطمه سلطان محمدی
- تبیین مفهوم ولایت و تربیت در زندگی ..... ۶۱  
مسلم شجاعی، سیدسجاد ساداتی‌زاده
- معیار تشخیص عدالت در اندیشهٔ ملاصدرا ..... ۶۳  
نادر شکراللهی
- حکیم در قامت انسان کامل ..... ۶۴  
فاطمه صحرائی، حسن صیانتی
- حکمت حکومت متعالی (معطوف به حکومت حکمت متعالی) ..... ۶۵  
علیرضا صدرا
- بررسی ولایت انسان کامل از دیدگاه صدرالمتألهین ..... ۶۶  
عبدالله صلواتی، فاطمه کوکرم
- رابطهٔ سیاست با دیانت و نقش آن در برقراری مدینهٔ فاضله با نگاهی به آراء سیاسی حکمای مسلمان ..... ۶۹  
یحیی صولتی
- نقش عقل در اجرای عدالت از راه شناسایی قوانین طبیعی ..... ۷۱  
محمدحسین طالبی
- مراتب عقل در حکمت متعالیه ..... ۷۲  
زهرا عباسی
- تبیین رابطهٔ حکیم متأله با معمار خلیفه از منظر صدرالمتألهین در شکلگیری معماری و شهرهای نوین ..... ۷۳  
جانا عرب‌زاده، حسن بلخاری قهی
- آرمان‌شهر صدرایی در تطبیقات عقلانی و وحیانی ..... ۷۵  
حسین عرب
- تحلیل و بررسی مراتب نفس و تطبیق آن بر زمامداری و حکومت از دیدگاه ملارجعلی تبریزی ..... ۷۷  
مهدی عسگری



- ۷۸..... امامت و مفهوم فلسفی آن با نگاه به آراء خواجه نصیرالدین طوسی  
فاطمه علی محمدی مرویلی، اعلی تورانی
- ۷۹..... واکاوی حکومت حکیمانه در نگرش فلاسفه اسلامی  
تورج فلاح مهنه، وحیده مرادیان محمدیه
- ۸۱..... تبیین نظریه ولایت فقیه در اندیشه فلسفی صدرالمتألهین  
محسن کردلو، امیر مرادی
- ۸۲..... تقریر علامه طباطبائی از نسبت میان مراحل استکمال نفس با ولایت تکوینی  
حسین کلباسی اشتری
- تبیین فلسفی انسانشناسی اسلامی و دلالت‌های آن در پرورش انسان کامل با  
تأکید بر قرآن و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش  
۸۴.....  
امیر مرادی، محسن کردلو
- ۸۶..... دموکراسی در اندیشه افلاطون و فارابی و نقش آموزش عالی و عمومی در قبال آن  
رضا ماحوزی
- ۸۸..... تحلیل فلسفی روابط شبکه‌ی بشری با حفظ عناصر حکمرانی و رفتارهای تابع و متبوع  
رضا محمدزاده
- ۹۰..... بررسی اصالت وجود در حکمت تائوئی و تبعات اخلاقی آن  
نرگس مرادی
- ۹۱..... حکومت حکمت در حکمت متعالیه؛ مبانی و کارکردها  
سیدمحمدهادی مقدسی
- ۹۳..... ملاصدرا، تأویل علیت به ظهور و تجلی و تبیین ولایت عرفانی انسان کامل  
غلامعلی مقدم
- ۹۴..... نسبت عقل و شرع در حکومت مطلوب از نظر ملاصدرا  
سمیه ملکی
- ۹۵..... بررسی مسئله ولایت و خلافت از منظر شاه‌داعی شیرازی  
محمدجواد ناسک جهرمی
- ۹۶..... خورشید ولایت در آیین انسان  
مسلم یزدی

## پیشگفتار

بیست و ششمین همایش از سلسله همایشهای بزرگداشت حکیم ملاصدرا با موضوع «حکمت، حکومت، ولایت» برگزار میگردد. پس از تصویب این موضوع در شورای علمی و هیئت امنای بنیاد حکمت اسلامی صدرا، فراخوان مقاله همایش در زیرعنوانهای ذیل تنظیم و اعلان گردید:

- حکمت، حکومت، ولایت؛ پیوندها و تعاملها

- نسبت دانایی (حکمت) و قدرت (دولت) در فلسفه سیاسی

- نسبت حکومت، ولایت و حکمت

- رابطه اخلاق عملی با حکمت و حاکم

- رابطه حکمت و حکیم با فضیلت و عدالت

- منشأ «ولایت فقیه» در قرآن، سنت و حدیث

- سیرت‌شناسی حکیم و ولی

- حکومت حکیم و تحقق مدینه فاضله

- حکومت حکمی و مردم‌سالاری دینی

- تحقق حکومت عقلانی و روشهای مردم‌سالارانه

\* \* \*

- حکمت حاکمان و سیاست مدن در فلسفه اسلامی

- مؤلفه‌های حکومت مطلوب از نظر حکمای اسلامی

- مختصات خرد و حکمت حاکمان در فلسفه عملی حکمای اسلامی

- نسبت عقل و شرع در حکومت مطلوب از نظر حکمای اسلامی

- جایگاه و مراتب ولایت در نظریه‌های سیاست مدن

- نسبت حکومت حکیمان و اصل ولایت
- نسبت حکیم، ولی و انسان کامل
- حق و تکلیف در نظام سیاسی ولایی
- جایگاه امر معاش و امر معاد در حکومت ولایی
- نسبت رسالت و ولایت در فلسفه سیاسی اسلامی
- مسئله مهدویت و خلیفةاللهی در فلسفه سیاسی
- آرمانشهر مهدوی در اندیشه سیاسی اسلامی
- تمایزهای حکومت ربانی و الهی با استبداد بشری
- \* \* \*
- حکمت حاکمان در نصوص دینی اسلامی
- نهج البلاغه و حکمت حکومت
- رابطه حکومت و شریعت در ادیان توحیدی
- \* \* \*
- فلسفه نبوت و ولایت نزد حکمای اسلامی
- تطورات نظریه مدینه فاضله در سنت اسلامی
- مفهوم حقوقی و فلسفی امامت
- حکمت، حکومت و ولایت در جنبشهای سیاسی شیعی (باطنیه، اسماعیلیه، نظریه ولایت عرفانی، نظریه ولایت فقیه و...)
- مردم‌سالاری مذموم و ممدوح در حکمت فلسفی افلاطون و فارابی
- سهروردی، حکمت خسروانی و نظریه‌های سیاسی
- نظریه‌های سیاسی در رساله‌های تمثیلی فلسفی و ادبی
- ویژگیهای فلسفه سیاسی متعالیه و غیرمتعالیه
- سیاست و زعامت متعالیه

- امام‌شناسی در حکمت متعالیه

\*\*\*

- پیشینه و تاریخچه حکومت حکیمان و خردمندان
- حکومت حکیم در سنتهای فلسفی باستان (ایران، مصر، بین‌النهرین، شرق آسیا، یونان و...)
- نظریه‌های سیاسی و حکومت در آیینهای حکمی ایران باستان (زردشتی، میترائی، زروانی)
- جایگاه حکیمان و خردمندان در نظامهای سیاسی عهد باستان
- مراتب خرد و خردمندی در نظامها و تمدنهای مشرق‌زمین

\*\*\*

- واژگونی حکمت عملی در ایدئولوژیهای اجتماعی- سیاسی معاصر
- فلسفه سیاسی در ایران معاصر (از مشروطه تاکنون)؛ با تأکید بر عناصر حکمت عملی
- امت و امامت در دنیای معاصر؛ نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی
- نقش حکمت و حکومت در تحولات آینده جهان
- حکمت و حکومت در دنیای سایبری آینده؛ مؤلفه‌ها و مختصات

\*\*\*

- ولایت‌پذیری و نقش آن در تربیت
  - تبیین مفهوم ولایت در زندگی
  - ولایت‌پذیری و معنای زندگی
  - نقش ولایت‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی
- پس از فراخوان مقاله عمومی همایش، در مدت مقرر ۷۰ عنوان مقاله از اساتید، صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه و دانشگاه به دبیرخانه همایش

واصل گردید که از آن میان، چکیده مقالات پیش رو در شورای علمی همایش پذیرفته شد. مجموعه مقالات برگزیده همایش نیز پس از ارزیابی، بزودی منتشر میگردد.

با توجه به شرایط اجتماعی موجود و لزوم پرهیز از تجمع، همچون دو سال گذشته، همایش «حکمت، حکومت، ولایت» بصورت مجازی برگزار میگردد. سخنرانیهای برگزیده همایش از طریق پایگاه اینترنتی بنیاد حکمت اسلامی صدرا بنشانی [mullasadr.org](http://mullasadr.org) و رسانه‌های عمومی و مجازی در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

**دبیرخانه دائمی همایشهای بزرگداشت ملاصدرا  
بنیاد حکمت اسلامی صدرا**

## حکومت شایسته بشر از نگاه اسلام و عقل

آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای

یکی از بزرگترین مسائل اینجهانی بشر، شکل حکومت شایسته حیات انسانی برای بشر بوده است و حکما و اندیشمندان بسیاری در پی این اندیشه و پرسش، عقایدی را اظهار نموده‌اند. بنظر میرسد نخستین شکل حکومت شایسته انسانی، در آغاز تاریخ از طریق دین و پیامبران معرفی و آموزش داده شده، اما در کنار آن پیوسته سلطه و حکومت بر پایه زور یا تزویر به مردم، بحکم غرایز حیوانی و انگیزه‌های قدرت‌مداری نیز وجود داشته و حیات بشر را در طول تاریخ به ستم و قتل و غارت و فساد و رواج نابسامانی و خشونت و رنج آمیخته است.

حکما و فلاسفه که شاگردان انبیا و مروج ادیان الهی بوده‌اند در تمام دورانها و در ملل متمدن، همواره کوشیده‌اند با تکیه بر عقل و مبانی آفرینش جهان و برای برخورداری همه مردم از رفاه و امنیت و عدالت و رسیدن به رستگاری و سعادت، شکل حکومت را بر پایه حکمت بگذارند. حکمت نظری بر اساس جهانبینی درست و منطقی و عقلانیت، راه سعادت را می‌یابد و اجرای آن را بر عهده حکمت عملی قرار میدهد. میدانیم که مهمترین بخش حکمت عملی، سیاست مُدُن یا همان حکومت جوامع انسانی است و از اینرو باید پذیرفت که سیاست از حکمت و عقلانیت جداشدنی نیست و شکل صحیح و غیرحیوانی حکومت و سیاست را بایستی

بر پایه عقلانیت و منطق و قوانین فطرت و اصول اصلی آفرینش الهی بنا نهاد؛ هرگونه حکومت در جوامع بشری را چه از زور باشد یا از تزویر و تبلیغات، نمیتوان شایسته جامعه بشری شمرد.

از نظر حقوقی و منطقی، حکومت از «حق حاکمیت» ناشی میشود، و یک حکومت صحیح آنست که بتواند اثبات کند که دارای این حق، یعنی حق حاکمیت است. زور و تزویر و توارث و قدرت خانوادگی هیچکدام نمیتوانند این حق را داشته و آنرا اجرا کنند. در نگاه دینی و اسلامی، حق حاکمیت در اصل به حق تعالی تعلق دارد زیرا که او آفریننده جهان و انسان است و خداوند متعال است که مالک هرچیز میباشد و حق دارد شکل حکومت را تعریف و افراد شایسته برای حکمرانی بر مردم را معرفی نماید.

در نگاهی دیگر، حکومت باید با اهداف آفرینش و با حکمت سازگار باشد، و چون اساس آفرینش بر خیر و صلاح انسان (بمنظور رسیدن به سعادت و رفاه و زندگانی بسامان و شایسته) میباشد، پس حکومتی صحیح و دارای حق حکومت و فرمانروایی بر مردم است که هدف و برنامه و اجرای آن، رشد عقلانی مردم و زندگانی صحیح و انسانی همراه با رفاه و آرامش و امنیت و برخورداری از نعمتهای الهی باشد تا زندگی اینجهانی و آخروی او با سعادت و لذت همراه شود.

این شکل حکومت (حکومت الهی) بشدت به شخص و شخصیت فرمانروا و حاکم بستگی دارد و افرادی که خودکامه بوده و دارای ایمان عملی و نظری به خداوند نباشند و مصلحت جامعه را ببازی بگیرند و منافع شخصی یا گروهی داشته باشند و هدف آنها راحت و سعادت و کمال مردم نباشد، صلاحیت و حق حتی یک روز حکومت بر مردم را ندارند.

یکی از احکام حکومتی اسلام و شیعه این حدیث معروف است: «من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولاه فللعوام ان يقلدوه...»؛ یعنی کسی شایسته حکومت در جامعه مؤمنین است که «فقیه» (یعنی دین‌شناس و حکیم) و نگهبان دین و دیندار و با ایمان، و مخالف هوای نفس (یعنی خوددار و دور از هوای نفس و منافع شخصی) و مطیع قانون و قانونمند باشد، پس عوام (یعنی عامه مردم) مکلفند از او «پیروی» و اطاعت (تقلید) کنند؛ «تقلید» در لغت بمعنی پیروی است، نه فقط تقلید در فتوای فقهی.

در این حدیث، مردم برای حکومت بر خود، مکلفند از رجال قدرت طلب و عشاق حکومت و سلطه بر دیگران، پرهیز کنند و کسی را برگزینند که آگاه و عالم و متخصص در علوم عقلی و نقلی و جهانبینی الهی اسلامی، و دور از هوای نفس و بدنبال مصالح و منافع مردم و ملت و مردم‌دوست باشد؛ همانگونه که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر فرمود: «وَأَشْرَعُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ...»؛ یعنی لباس رحمت و محبت به مردم را بر دل خود بپوشان و نسبت به عامه مردم سراپا محبت و رحمت باش.

در اینجا دو نوع حاکم قابل فرض است: ۱- حاکمی که مردم‌دوست و بدنبال عدالت و راحت و رفاه آنهاست، ۲- حاکمی که مردم را ملک و برده خود میداند و خود را قانون و قانون را برای خود می‌شمارد و قانونمدار نیست اسلام از آنرو شکل و نام حکومت را نه ریاست بلکه «ولایت» نهاده، زیرا محور در این کلمه پرمعنا، محبت (ولایت) است. خداوند متعال خود بالاترین «ولی» و دوست مؤمنین است؛ «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»، و پیامبر و امامان نیز چنین بوده‌اند، حاکم مقبول اسلام نیز باید «ولی» و دوستدار



مردم باشد تا «اطاعت» او واجب گردد.

رمزی در کلمه «ولایت» هست که در کلماتی مانند حبّ و عشق و مانند آنها نیست، زیرا همه اینها گاهی یکطرفه هستند اما ولایت بمعنای محبتی دوطرفه است، که یکسر آن محبت آفریدگار نسبت به مؤمنین است و سر دیگر آن، محبت مؤمنین به خداوند و آفریدگار خود (يُحِبُّهُمْ و يُحِبُّونَهُ).

«ولایت» یک جاذبه و رابطه دوطرفه است. همچنانکه در نیروی جاذبه مادیات اثبات شده، نه فقط جسم بزرگتر جاذب اجسام کوچکتر است که حتی جسم کوچکتر هم بسهم و بقدر توان و موجودیت خود، جاذبه دارد و آن را بسوی جسم بزرگتر میفرستد، ولی چون مقدار آن ضعیف است در فیزیک و محاسبات عادی بحساب نمی آید. در رابطه بر اساس ولایت نیز از لحاظ مفهوم‌شناسی همیشه رابطه‌یی دو جانبه بین «والی» و «مردم» مفروض است. اسلام برای هر دو طرف (حاکم و مردم) «حقوقی» گذاشته و همچنین هر دو طرف بسهم خود «تکالیفی» دارند. هیچ حاکمی حق استبداد و خودکامگی ندارد و باید از مشاوره و خردهای دیگر کمک بگیرد مردم و افراد جامعه نیز مکلفند مطیع اوامر و قوانین موضوعه حکومت باشند و حاکم را نصیحت کنند. مردمسالاری نیز مشروط به رعایت «تکالیف» از طرف مردم است و همگان باید حاکم الهی و ولی مؤمنین را «امام» و پیشرو و «رهبر» خود بشمارند و بحکم «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول...» از اطاعت کنند.

این شکل آمیختگی سیاست با محبت، نمونه کامل «مدینه فاضله» و «آرمانشهر»ی است که حکمای ایران و اسلام و آتن و یونان نیز بدنبال آن بودند، اما جز در حکومت رهبران و امامان شیعی تحقق نیافت.

با توجه به همهٔ عناصری که اسلام برای حکومت بر مردم قرار داده، معنی سیاست و حکومت و مبانی حاکمیت بشر بر بشر روشن میشود و رابطهٔ آن با حکمت و عقل و منطق و نقش قوی محبت و رحمت میان مردم و حاکم، بدست می‌آید و اثبات میشود که هرگز نمیتواند و نباید حکومت از حکمت و ولایت دور باشد، چه اینکه فرمود «لاینال عهدهی الظالمین» (بقره/ ۱۲۴). منصب ولایت همواره بایستی از طرف آفریدگار تعریف و اعطا شود.

## «ولایت» ملاکی برای مشروعیت و مردم‌سالاری در حکومت دینی

محسن ابراهیمی\*

از آنجا که ریشه لغوی مفهوم «ولایت»، دلالت بر شکلی از قرب و نزدیکی دارد که موجب ثبوت آثار مختلف میشود؛ میتوان با بکار گرفتن این مفهوم در علوم سیاسی، آن را بعنوان ملاک مشروعیت حکومت دینی معرفی کرد. این امر با رویکرد قرآنی (نه فقهی) به مفهوم ولایت امکانپذیر است؛ زیرا در این رویکرد، ولایت، پیوند و ارتباط قلبی فرد مؤمن با خداوند است که آثاری مختلف بر آن مترتب میشود. یکی از اصلیتترین آثار جریان این مفهوم در اجتماع، تألیف قلوب مؤمنان و برقراری ارتباط اجتماعی است که در قرآن از آن به «اخوت» تعبیر شده است. جامعه اسلامی بر پایه این ارتباط شکل میگیرد. از آنجا که در چنین بستری معصوم یا فقیه در زمان غیبت، قرب و نزدیکی قلبی بیشتری نسبت به سایر مؤمنان دارد؛ بنابراین دارای حق تصرف و تشریح نسبت به آنها میشود و در نتیجه میتوان ولایت را ملاکی برای مشروعیت حکومت فقیه در جامعه دینی دانست. با تبیین این امر، خوبی مشخص میشود که حکومت مبتنی بر ولایت فقیه، یکی از کاملترین اشکال مردم‌سالاری است؛ زیرا این مردم‌سالاری برخاسته از مرتبه قلب و مبتنی بر ارتباط الهی افراد با خداوند است.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت، حکومت دینی، مشروعیت، مردم‌سالاری.

## جایگاه ولایت‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی انسان با تکیه بر حکمت نظری و عملی آیت‌الله جوادی آملی

فرشته ابوالحسنی نیارکی<sup>۱</sup>، سیده فاطمه حسینی<sup>۲</sup>

این پژوهش به تبیین ولایت‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی، با توجه به حکمت نظری و عملی آیت‌الله جوادی آملی میپردازد. طبق آراء وی از بیانات نقلی، انسان بحکم عقل و فطرت خویش موظف است تنها ولایت خداوند را بپذیرد، زیرا ولی حقیقی و بالذات انسان خداوند است؛ او تنها مرجع تعیین حدود آزادی انسان و مبدأ هستی‌بخش می‌باشد. بنابراین هیچ فردی از انسانها بر فرد دیگری ولایت ندارد مگر آنکه از سوی خداوند تعیین شده باشد. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی درصدد بیان این نکته است که ولایت‌پذیری در جامعه اسلامی، نه از نوع ولایت تکوینی، نه ولایت بر تشریح و نه ولایت بر محجوران است بلکه نوعی ولایت تشریحی و مدیریتی بر جامعه اسلامی است که تزکیه نفس، ایمان حقیقی، رستگاری و جلوگیری انحراف را برای افراد بدنبال دارد. همچنین در رشد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ترغیب بر فراگیری صحیح صنعت در اجتماع مؤثر است. در واقع، این نوع ولایت‌پذیری بعنوان الگویی ناب برای افراد و جامعه اسلامی در همه عرصه‌هاست.

**کلیدواژه‌ها:** آیت‌الله جوادی آملی، حکمت عملی، حکمت نظری، زندگی اجتماعی، زندگی فردی، ولایت‌پذیری.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران؛ f.abolhasani@umz.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسول)؛ f\_hoseini\_6389@yahoo.com

## نقش ولایت‌پذیری اهل بیت علیهم السلام در امنیت فردی دانش‌آموزان

کبری احمدوند<sup>۱</sup>، محمدحسین دارایی<sup>۲</sup>، زهراتقی زاده قوام<sup>۳</sup>، عباس عبدلی<sup>۴</sup>

هدف این پژوهش، بررسی نقش ولایت‌پذیری اهل بیت علیهم السلام در تأمین امنیت فردی دانش‌آموزان است. امنیت یکی از نیازهای اصلی انسانی است که در سایه آن، تحقق دیگر نیازها امکانپذیر است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با تبیین روان‌شناختی، درصدد است نقش «ولایت‌پذیری اهل بیت علیهم السلام» در «امنیت فردی» را در دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آنست که آسیب‌ناپذیری از کارکردهای اساسی ولایت‌پذیری است که موجب شکلگیری امنیت فردی در ابعاد دنیوی (جسمانی، مالی، معنوی، روانی) و اخروی میگردد. چگونگی آسیب‌ناپذیری بوسیله شاخصه‌های زیر تحقق می‌یابد: شناخت منافع و آسیبها، الگوپذیری، احساس نظارت، امید به حمایتگری، معناداری زندگی و امداد غیبی.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت فردی، ولایت‌پذیری اهل بیت(ع)، آسیب‌ناپذیری، دانش‌آموزان.

۱. دانشجوی دکتری فلسفهٔ تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی استان تهران؛  
kobraahmadvand1394@gmail.com.

۲. دانشجوی دکتری فلسفهٔ تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور تهران.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان؛  
z.ghavam2010@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد خرم آباد؛  
abdoli\_abbas@yahoo.com

## نقش ولایت‌پذیری ائمه اطهار علیهم السلام در تربیت دانش‌آموزان

کبری احمدوند<sup>۱</sup>، محمدحسین دارایی<sup>۲</sup>، زهرا تقی‌زاده قوام<sup>۳</sup>

ولایت یکی از ارکان اصلی و آموزه‌های اساسی دین مبین اسلام و بتعبیر دقیقتر، اصلیتین و اساسیتین آموزه آن است و برای رسیدن به جامعه‌یی با سبک ارزشها و صفات پسندیده‌یی همچون علم، ایمان، سعادت و فضیلت و تقوی، نقش مؤثری را ایفا میکند. در دین مبین اسلام دستورات فراوانی وجود دارد که بعضی از آنها بر گروهی بصورت واجب بیان شده است. حقتعالی حقوق کسانی را بر دیگران واجب نموده و اطاعت گروهی را بر سایرین لازم قرار داده است. برخی افراد از طرف خدا بعنوان حجت انتخاب میشوند بهمین دلیل هر کس به ولایت و حجت خدا توجه داشته باشد و به وظیفه خود نسبت به ولایت عمل کند، بهمان اندازه رتبه و مقامش بالا میرود. هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش ولایت‌پذیری و آثار آن در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام در تربیت دانش‌آموزان است. بخشهای مختلف این تحقیق شامل تعریف ولایت و ولایت‌پذیری، آثار ولایت‌مداری، آثار روحی و معنوی ولایت‌مداری در دانش‌آموزان، و تأثیر آن در روحيات آنها میشود. آموزه‌های اسلامی زمانی

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی؛ kobraahmadvand1394@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور تهران.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان؛ z.ghavam2010@yahoo.com

معنای واقعی به خود میگیرند که در چارچوب ولایت و در محور و مدار آن تحقق یابند و در نهایت پنج اثر از موارد تأثیرگذاری ولایت‌پذیری در میان دانش‌آموزان بیان شده و به چهار اصل مهم در برخورد با دانش‌آموزان اشاره می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت، ولایت‌پذیری، آثار ولایت‌مداری، دانش‌آموزان.

## نقش عملی حکمت متعالیه در سیاست

رسول برجیسیان\*

فرایند پرسشگری فلسفی این قدرت را دارد که نه تنها طرز تفکر ما، بلکه شیوه زندگی ما را نیز شکل دهد. این تصور ساده که «فقط زندگی بررسی شده مطابق با فضیلت و حقیقت، ارزش زیستن دارد» بعنوان میراث سقراط که به حکمت متعالیه راه پیدا کرده، بنیاد نقش عملی حکمت متعالیه را در زندگی سیاسی رقم میزند. سقراط معتقد بود فلسفه بعنوان فرایند خودآزمایی، خودسازی و بررسی موضوعات مهم زندگی ما، بخشی مهم در زندگی انسان است و در زندگی سیاسی نیز همینطور است. در نظر او پیوند بین عقل نظری و عقل عملی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در نوع حکومت و جامعه‌یی که ملاصدرا ترسیم میکند نیز ابتدا باید میان عقل نظری و عقل عملی بدست اهل باطن پیوندهایی برقرار شود و اساس تعالی جامعه نیز همین پیوندهاست که ما میتوانیم به اتحاد و جمع بیشتر این دو نایل گردیم. اگر بناست که سیاست (عقل عملی یا جزئی) با حکمت (عقل نظری) متحد شود تا هدف الهی بر روی زمین محقق گردد، راهی جز طریق کمال عقل وجود ندارد. عقل نظری و عملی در آخرین درجه کمال و مرتبه وجودی خود با یکدیگر متحد شده و فاصله میان آنها محو میشود. در اینجا جامعه دارای مرتبه وجودی است. از نظر صدرالمتألهین هر جامعه سیاسی‌یی که هنوز خرد فلسفی در آن رشد نکرده باشد، در ابتداییترین



پیوند عقل عملی و نظری است؛ یعنی حکمت نظری که مقدم بر حکمت عملی است، نخست در جامعه سیاسی ملامدرا دارای پیوندهایی ضعیف است و پراکندگی و تفرقه بین آنها بسیار است. اما آنچه ملامدرا در آثار خود بیان کرده اینست که جامعه باید با گذر از مراتب و منازلی، به عالیترین پیوند عقل نظری و عملی نایل گردد و این همان مدینه فاضله اوست. نکته مهم اینست که ملامدرا با چنین راهنمایی‌هایی در حکمت سیاسی خویش، ما را متوجه واقع‌انگاری خود نسبت به جوامع بشری میکند و مانند سایر فیلسوفان گذشته تنها به ذکر مدینه فاضله بسنده نکرده است. این مقاله بر آنست تا نشان دهد که از نظر ملامدرا فرایند تفکر فلسفی چگونه بر ارزیابی انتقادی و توسعه تفکر، خودشناسی و نگرشها/جهانبینی جامعه تمرکز دارد و موجب رشد خرد سیاسی در جامعه میشود و میتواند آرزوی او، یعنی وحدت عقل نظری و عملی در جامعه را برآورده سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ملامدرا، خرد سیاسی، حکمت نظری، حکمت عملی.

## نسبت حکمت و حکومت در قرآن و تأثیر آن بر اندیشه سیاسی شیخ اشراق

حسن بلخاری قهی\*

محور این مقاله تبیین دو نکته بنیادی است:

اول: تبیین و اثبات نسبت میان حکمت و حکومت (بمعنای سیاسی آن،

نه مجرد لفظ) در قرآن

دوم: بررسی تأثیر این نسبت در اندیشه سیاسی شیخ اشراق و نظریه

متفاوت او در باب ریاست در جوامع انسانی.

### الف) نسبت حکمت و حکومت در قرآن

در باب رابطه حکمت و حکومت باید مقدمتاً متذکر شویم که حکم در

قرآن، به چند معنا بکار رفته است.

۱) بمعنای امر، فرمان و دستور الهی (با ذکر صریح کلمه حکم الله؛

بعنوان مثال در آیه ۴۳ مائده: «وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا

حُكْمُ اللَّهِ» و البته ضرورتی در تأکید بر این امر نیست که این حکم و

حکومت، مطلق است؛ یعنی جز حکم و حکومت او، هیچ حاکمیتی در

عالم مقبول و مشروع و موجود نیست. آیاتی چون «لَهُ الْحُكْمُ» (قصص /

۸۸) و نیز فراز مشهور «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف / ۴۰) همان دستور

الهی است را روشن میسازد.

۲) بمعنای صریح داوری و قضاوت: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء / ۵۸) و «وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ» (انبیاء / ۷۸). این قضاوت هم در امور معنویه و عقلیه است - «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره / ۲۱۳) - و هم در امور دنیویه؛ هم در آنچه مبنای اختلاف میان انسانها در امور معنوی، اخلاقی و عقلی است و هم در قلمرو نزاع و جدال میان مردمان. بعنوان مثال، در جریان داوری داود در امر گوسفندان.

۳) بمعنای نوعی فرزاندگی و دانایی عظیم (یا بتعبیر قرآن خیر کثیر) که از سوی حق به بندگانی خاص عطا میشود؛ اعم از پیامبران - در آیاتی همچون آیه ۵۴ سوره نساء «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» یا «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ» (انعام / ۸۹) - و غیر پیامبران - همچون لقمان: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان / ۱۲) و خضر، با این تفاوت که در این مورد خاص، عطیه به خضر، رحمت خوانده شده که خود علم لدنی است: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف / ۶۵). البته مصداق خیر کثیر در قرآن نیز همین حکمت است که نه امری اکتسابی بلکه عطای الهی است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره / ۲۶۹) و البته صفتی چون بالغه نیز دارد «حِكْمَةٌ بِالْعِلْمِ» (قمر / ۵).

۴) بمعنای استوار کردن و محکم کردن: «الر، كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود / ۱) یا «ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ» (حج / ۵۲). ذکر این نکته، مبتنی بر این معنای حکم، ضروری است که بنا به کاربرد کلمه حکیم در پایان آیه اول سوره هود، لاجرم در ذات حکم، حکمت و حکومت، نوعی اتقان، استواری و استقرار وجود دارد.

بنابراین حکم در قرآن بمعنای امر الهی، قضاوت و داوری، فرزاندگی و دانایی یا استحکام و استقرار است. این بدان معناست که در هیچکدام از آیات قرآن بصراحت از حکومت بمعنای سیاسی آن سخن نرفته است. عبارتی، نسبت میان حکم (چه بمعنای دستور، چه قضاوت) و حکمت بسیار روشن و بینباز از اثبات و استدلال است اما نسبت میان حکمت و حکومت نیازمند تبیین و اثبات است.

عبارت دیگر، با فرض اینکه نسبت میان حکم، حکمت و حکومت ذاتی است (دست‌کم در لغت) و در عین حال این نسبت ذاتی در قرآن بویژه در عرصه نسبت میان حکمت و حکومت صراحت ندارد، لاجرم باید از طرق دیگری آن را تبیین و اثبات نمود و این طرق اولاً، کشف اصطلاحات دیگری در قرآن با مفهوم حکومت بمعنای سیاسی آن است (یعنی مُلک) و ثانیاً، استفاده از براهین عقلیه در اثبات نسبت میان حکمت، حکم و حکومت.

بر اثبات نسبت میان هر سه مفهوم اصرار داریم، زیرا در اندیشه سیاسی متأثر از قرآن، حکومت بر بنیاد حکم الهی (که عاملی مشروعیت‌بخش است) و حکمت که عاملی استقراربخش و استوار کننده است (قدرت)، شکل میگیرد. بنظر میرسد شیخ اشراق در نظریه سیاسی خود (که از آن سخن خواهیم گفت)، نسبت ذاتی میان این سه واژه را درک کرده و همان را مبنای نظریه سیاسی خود قرار داده است. اما همچنانکه متذکر شدیم، کلیدواژه ورود ما به ادراک این نسبت در قرآن واژه حکومت نیست بلکه اصطلاح مُلک است.

در باب اول، نسبت بسیار آشکار است؛ مثلاً آیه ۲۰ سوره ص: «وَشَدَدْنَا مُلْكَهٖ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْنَا الْخِطَابَ» و صریحتر، در مورد داود:

«و قتل داود جالوت و آناه الله المُلک و الجُمة و علمه مما يشاء و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض و لكن الله ذو فضل على العالمين» (بقره/۲۵۱). بنابراین نسبتی ذاتی میان حکومت (مُلک) با حکمت وجود دارد.

در مواردی نیز که از واژه حکمت در نسبت با ملک خبری نیست، از معادل آن، یعنی علم («وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره/۲۴۷)) استفاده شده است که خود از نسبت ذاتی قدرت علمی و قدرت سیاسی سخن میگوید. بهمین دلیل آنگاه که حضرت حق از نوع خاصی از حکومت یا حکمرانی که مورد تأیید اوست سخن میگوید، حکمت را بصورت مطلق، مستتر و محفوظ در بطن آن لحاظ میدارد.

طریق دوم اثبات نسبت ذاتی بین حُکم، حکمت و حکومت، استفاده از براهین عقلیه است. بدین شرح که بنا به حکم قطعی حضرت عقل، قاضی اولاً باید در حوزه قضاوت آگاه و مسلط بر حُکم باشد وگرنه مشروعیت قضاوت ندارد (و این سِرِّ نسبت ذاتی میان حُکم و حکمت در قرآن است) و ثانیاً، قدرت کافی در اجرای حکم داشته باشد والا نفس صدور حُکم، تحقق قضاوت نیست بلکه شرط لازم دیگر، اجرای کامل آن است و این اجرا قطعاً منوط و مشروط به وجود قدرت (حکومت) است.

## ب) اندیشه سیاسی سهروردی

از جمله ابعاد حکمت اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی، تأمل در حوزه اندیشه سیاسی و ارائه ایده و نظریه‌یی در این باب است. تأمل در متن آثار او نشان میدهد وی در باب نسبت میان حکمت و حکومت، متأثر از سه حوزه قرآن (با تأکید بر رأیی که شیعه در باب حکومت و ولایت دارد) حکمت یونانی (مفهوم حاکم حکیم یا حکیم حاکم افلاطون) و نیز حکمت

ایران باستان (با تأمل بر ایدهٔ کیان‌خره، یعنی کسی میتواند صاحب ولایت باشد که صاحب کیان‌خره باشد) بوده است.

شیخ در پاره‌های مختلف مصنفات خویش از نسبت حکم، حکومت و حکمت سخن گفته است. بعنوان مثال در پرتونامه بصراحت متذکر میشود که هر که حکمت بداند و بر تقدیس نورالانوار مداومت نماید، مستفید از فره کیانی و فرّ نورانی گشته و بدینصورت با استظهار به این فره، لیاقت ریاست طبیعی عالم را می‌یابد. در چنین شرایطی از عالم اعلیٰ به او نصرت میشود و سخن او در عالم علوی مسموع است: «و هر [که حکمت بداند] و بر سپاس و تقدیس نورالانوار مداومت نماید، چنانکه گفتیم، او را «خره کیانی» بدهند، و «فرّ نورانی» ببخشند، و بارقی الهی او را کسوت [هیبت و بها] بیوشاند، و رئیس طبیعی شود عالم را، و او را از عالم اعلیٰ نصرت رسد، و سخن او در عالم علوی مسموع باشد، [و خواب و الهام او بکمال رسد]. [و الله اعلم بالصواب]. (مجموعه مصنفات، ۳ / ۸۱).

یا مثلاً در شرح و بیان انواع حکیم و حکمت در ابتدای حکمة الانشراق، حکیم متوغل در تأله و بحث را دارای شأنیت ریاست دانسته و خلیفة الله میخواند (بنظر میرسد شیخ در اینجا نظریهٔ حاکمان حکیم و حکیمان حاکم افلاطون در جمهوری را پذیرفته یا دست‌کم گوشه چشمی به آن دارد) (همان: ۲ / ۱۲).

در الواح عمادیه مطهران نفس را کسانی میداند که به ولایت الله، از ظلمات بسوی نور سیر میکنند و در این صورت سکینه قدسیه و انوار الهیه بر آنان ظاهر شده و دارای هیبت شدید میشوند. اینان بنا به آیهٔ شریفه «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۵۶) دارای غلبه و قدرت (قهر) هستند. ملوک بزرگ ایران، مصداق صریح چنین حکیمان قاهری هستند: «و نیال

نور الذی ناله قدماء الفرس من عظماء الملوک» (همان: ۴ / ۹۲).

شیخ مجدد به فره و کیان فره در بیان شرح اوصاف این حاکمان حکیم و حکیمان حاکم میپردازد. شرح وی از حدود قدرت و شعاع سلطنت این ملوک حکیم (چون فریدون بعنوان ملک فاضل) بسیار جالب است. از دیدگاه شیخ این حاکمان حکیم، چون به انوار عالیه حق متصل گردند بر تمامی انواع حکومت راندند. کسانی که بساط عدل الهی را در زمین گسترانیده و بساط ارتقا و زاد و رشد علوم را میگشایند (بنظر میرسد شیخ در بیان این فراز کاملاً متأثر از بسطه فی العلم و الجسم قرآن است). حکومت آنان مظهر نشر علم، مهد عدل و قهر و قدرت بر شر و اصرار بر امر و... است (همان: ۹۳). تأثیرات حکومت ملک فاضل در عالم عبارتند از: احیای سنن شریفه، تعظیم انوار مقدسه و حکومت بر کل امور به تأیید الهی .... (همان: ۹۵).

همچنین در رساله فی اعتقاد الحکماء مبنای نبوت را مصلحت نظام عالم دانسته و تذکار میدهد که مردم از احوال دنیا و آخرت خویش غافلند، پس باید قانون مضبوطی باشد و شخصی شریف النفس و عالم که قادر بر اموری باشد که مردم قادر به انجام آن نیستند. از دیدگاه شیخ، نفس شریف و قوی قادر به ایجاد تأثیری عظیم در عالم است زیرا متصل به روح القدس است و از او علوم و قوه و قدرت نوریه اخذ میکند. بنابراین ملک فاضل هم باید دارای حکمت باشد (تأخذ منه العلوم) و هم قدرت (فتکسب منها قوه نورانیة) (همان: ۲ / ۲۷۱).

شهرزوری در شرح حکمة الاشراف تفسیر روشنتری از نسبت حکمت و حکومت دارد: قوله «فان اتفق فی الوقت متوَعِّل فی التأله و البحث فله الرئاسة»، ای له الرئاسة فی العالم العنصری لکماله فی الحکمتین و احرازه

للشرفین، لأنه ما وصل الی ما وصل من الأمر العظیم و البیان الجسیم الا و  
للعناية الازلیة فیه سرّ عظیم؛ «و هو خلیفة الله»، لأنه اقرب...» (شرح  
حکمة الاشراق، ۲۹).

این مقاله شرح تفصیلی دو نکته فوق است.

**کلیدواژه‌ها:** حکمت، حکومت، ملک، فره ایزدی، خره کیانی، قرآن کریم، شیخ اشراق.



## مبانی هشتگانه ملاصدرا در اثبات ولایت عالمان دین

مهدی بیات مختاری\*

ملاصدرا در المبدأ و المعاد با بیان هشت نکته ذیل که میان آنها تقدّم و تأخّر منطقی وجود دارد، تدبیر و حکومت را در مدینه فاضله از آن عالمان و فقیهانی دانسته است که دست کم دوازده ویژگی داشته باشند.

۱- وی با بیان: «أن مقصود الشرائع كلّها سبّاقه الخلق إلى جوار الله و سعادة لقاءه و الارتقاء من حضيض النفس إلى ذروة الكمال و من هبوط الأجسام الدنّية إلى شرف الأرواح العلیّة»؛ علت غایی آفرینش و فلسفه دین را سوق دادن انسان به سعادت ابدی معرفی کرده است که تحقق آن در گرو تقرب به خدا و عبودیت و ارتقا از نفسانیات بسوی کمال و از هبوط مادیات به ارواح عالیّه است.

۲- او با جمله «ذلک لا یتیسّر إلا بمعرفة الله تعالی و معرفة صفاته، و الاعتقاد بملائکته و رسله و کتبه و الیوم الآخر» تأکید میکند که رسیدن به سعادت برین، تنها از رهگذر داشتن منظومه معرفتی و جهانبینی استوار، یعنی شناخت خداوند و صفاتش و اعتقاد به فرشتگان، پیامبران، کتب آسمانی و نظام آخرت، حاصل میشود.

۳- ملاصدرا با عبارت «أنّ الإنسان مدنی بالطبع لا ینتظم حیاته إلا بتمدّن و اجتماع و تعاون»، همچون فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر، معتقد است مدنیت و جمع‌گرایی در طبع انسان نهفته است و امکان زندگی

فردی بعید مینماید.

۴- او با عبارت «فاضطرواً فی معاملاتهم و مناکحاتهم و جنایاتهم إلى قانون مطبوع مرجوع إليه بین كافة الخلق، یحکمون به بالعدل، و إلا تغالبوا و فسد الجميع و اختلّ النظام، لما جبل علیه کل أحد من أنه یشتهی لما یشتهی إليه و یغضب علی من یزاحمه»، تصریح میکند که بخاطر غریزه حبّ ذات و جلب منفعت و بهره بیشتر، اختلافها و کشمکشهای ویرانگر در عرصه‌های گوناگون بوجود می‌آید. از اینرو وجود قانون که عامل ایجاد عدالت در جامعه و مانع ستمگری و فساد اجتماع و اختلال در نظام است، امری ضروری تلقی میشود.

۵- ملاصدرا با بیان «و ذلك القانون هو الشرع. و لا بدّ من شارع یعین لهم منهجاً یسلکونه لاتنظام معیشتهم فی الدنیا»، اصرار دارد که تنها قانون نجاتبخش جامعه، «شرع و دین» است. بایدها و نبایدها و الزامات و تکالیف دینی، همان قوانینی هستند که برای جلوگیری از بیعدالتی و ظلم و نابسامانی در جامعه وضع شده‌اند. اگر به قوانین دینی عمل شود، بگونه ممیزی درونی و برونی، نظام جامعه را از فروپاشی، اخلال و بینظمی رهایی میدهد.

۶- او با عبارت «فنظام العالم لایستغنی عن من یعرفهم موجب صلاح الدنيا و الآخرة» نیاز بشر را به پیامبران برای دریافت قوانین حاوی مصالح و مفاسد و ابلاغ آن، اثبات کرده و با عبارت «فهذا هو خلیفة الله فی أرضه» انبیا را جانشینان خدا در زمین در اعمال حاکمیت تشریحی، معرفی میکند.

۷- ملاصدرا با عبارت «و النبی واسطة بین الأولیاء الحکماء من أمته و هم الأئمة (ع)» پیامبر اسلام را واسطه بین خدا و اولیای حکیم الهی یعنی امامان دوازده‌گانه میدانند. پیشوایان معصوم حاملان آموزه‌های وحیانی هستند که هدایت تکوینی و تشریحی و تدبیر امت، به آنان واگذار شده است. سخن وی

ترجمانی از آیات «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳) و «قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» (توبه/۱۰۵)، میباید. بر اساس برخی روایات، امامان دوازده‌گانه، مصداق «شهداء» و گواهان اعمال در آیه اول و «مؤمنون» در آیه دوم معرفی شده‌اند.

۱- وی در عبارت «فهم أيضاً وسائط بين النبي و بين العلماء»، امامان دوازده‌گانه (ع) را واسطه‌های میان جریان نبوت و عالمان دانسته است. امامان دریافت‌کنندگان آموزه‌های وحیانی و انتقال آن به عالمان و از سویی، علی‌الأساس اقوال، تقریرات و افعال آنها ترجمان و تبیین سیره نبوی است.

ملاصدرا پس از بیان امور هشتگانه فوق، با عبارت «و العلماء وسائط بين الأئمة و العوام»، اصرار دارد که تمام مسئولیتهای امامان بر دوش عالمان و دین‌شناسان گذاشته شده است؛ کسانی که دارای کمال قوه عاقله و متخیله و متحرکه باشند (کمالات اولیه) و بعلاوه از سلامت جسم، فهم، حفظ، فصاحت، حکمت‌دوستی، تجنب از شهوات، کرامت نفسانی، زهد، عدالتجویی و عزم راسخ برخوردار باشند (کمالات ثانویه) آنان موظفند دریافتها و اجتهادهای خود را در عرصه‌های سه‌گانه اعتقادات، اخلاقیات و احکام، که از منابع کتاب، عقل و سنت نبوی و ولوی، اقتباس کرده‌اند، به توده‌های مردم ابلاغ نمایند و در اجرای آن بکوشند تا علت غایی آفرینش و فلسفه دین که سوق دادن انسان به سعادت ابدی است، تحقق پیدا کند. بترتیب تفهیم و اجرای بسیاری از احکام، منوط به داشتن قدرت و تشکیل دولت است.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، عالمان دین، مبدأ و معاد، امامان دوازده‌گانه، امور هشتگانه، فلسفه دین.

## قدرت و خرد ایرانی

قاسم پورحسن\*

در کشمکش غلبه یا تعامل دو نظام دانایی و نظام قدرت، بر اساس رویکرد مسلط دوره جدید و دیدگاه متفکرانی چون فوکو، قدرت از چیرگی برخوردار بوده و تمامی مناسبات در حوزه‌هایی مانند اخلاق، دانش، فرهنگ و زیست در ذیل و مقهور قدرت ظهور می‌یابند.

این چیرگی در دوره جدید بواسطه سیطره «من سوزه» بر عالم و طبیعت سبب شده است دانایی نیز در ذیل قدرت تعریف گردد. از این فرایند با نام «کمال عقل» و «پایان عقل» و «ظهور همه امکانات» و استعداد‌های نهفته نیز یاد شده و با مفهوم عقلانیت جدید، مرزی میان دنیای قدیم و جدید کشیده و تفسیری جدید از انسان، قدرت و علم بدست می‌دهد. عبارتی، متفکری مانند ماکس وبر، جوامع قدیم را بر عاطفه بنا نهاده و جوامع مدرن را بر عقلانیت استوار ساخته و در مقابل، همه دنیای قدیم را در درون کشش‌های غیرعقلانی که معطوف به ارزش و عاطفه بود، قرار می‌دهد.

چنین تفسیری از قدرت، دانش و انسان، فهم مسلط زمانه محسوب شده و تأکید میشود که راهی برای رهایی از سیطره نظام قدرتی که تهی از اخلاق و خرد بمعنای انسانی و خاص است، وجود ندارد. نگارنده با طرح خرد ایرانی که آن را خردی انسانی، اخلاقی و جامع تلقی کرده، درصدد است با بازخوانی

میراث حکمی و سنت بنیادین ایرانی، راهی را برای غلبه بر این کشمکش عرضه نماید. فارابی، ابن سینا و سهروردی با احیای خرد ایرانی درصدد تدوین طرحی نو برای انسان و جامعه انسانی بودند. در کتاب ابن سینا و خرد ایرانی این دیدگاه را شرح داده‌ام.

سهروردی در کتاب المشارع و المطارحات فصلی با عنوان «سلوک حکمای متأله» دارد که در آن به بیان «تبارنامه معنوی» خویش پرداخته و در آن، در بیان «شجره حکمت ازلی»، از خمیره مقدسه‌یی سخن می‌گوید که در دو جانب شرق و غرب تحقق یافته است. مقصود سهروردی، همچون ابن سینا در منطق المشرقیین و پایان المباحثات و نمط دهم اشارات، اینست که حکمت و خرد را بر صدر نشانده و مراتب جامعه و انسانها را مطابق با دانایی حکمی شرح دهد. اینان جستجوگران دانایی و حکمت را فاضلانی میدانند که بواسطه واجد شدن نور دانایی و طامس، میتوانند عالم حقیقی و حقایق عالم را مشاهده نمایند. بهمین دلیل است که سهروردی حکما و بزرگان پارسی را منشأ جامعه مطلوب دانسته و آنها را در درون حکمت قرار میدهد.

سهروردی «میر» را که صاحب فره پهلوانی است رمزی از نور جلال دانسته و «پیر» را که صاحب فره فرزانی است، رمزی از نور جمال میداند اما شهریار و صاحب قدرت را واجد فره کیانی دانسته که رمزی از جامعیت نور جلال و جمال است. تعابیر سهروردی در پند پایانی المطارحات و دسته‌بندی سه‌گانه از قدرت و دانایی اهمیت بسیاری برای بازخوانی در دوره کنونی دارد.

در رساله پرتونامه تأکید میشود که برای نیل به مقام حکمت و دانایی هفت شرط لازم است. باید حکمت دانست، بر سپاس و تقدیس و

جستجوی حکمت و نور مداومت کرد، واجد فرزاندگی و فره نورانی شد، صاحب کسوت هیبت و بهاء گردید، در پرتو بارقه الهی، در آنصورت است که سخن او مسموع گردد و او رئیس و صاحب قدرت شود.

در حکمت معنوی و خرد ایرانی، قدرت در ذیل فرزاندگی و دانایی است. قدرت در خرد ایرانی هیچگاه به چیرگی و سیطره تفسیر نشده است بلکه همواره آمیخته با آرامش درونی، صلح و فرزاندگی بوده و ابزاری برای غلبه بر درد و رنج انسان و ظهور حیات عقلانی قلمداد میگردد.

خرد ایرانی نیازمند بازخوانی صحیح و دقیق است. ابن سینا در منطق المشرقیین تصریح میکند که کسی که جوینده حقیقت ناب روشن است باید به حکمت مشرقی رجوع نماید چون این خرد و حکمت از چنان عمق و شگرفی برخوردار است که چشمهای عقلها را خیره کرده و بسیاری از درک آن ناتوان بوده و تنها شایستگان و صاحبان خرد توانایی فهم آن را دارند.

در این سخن قصد داریم با بازخوانی میراث و خرد ایرانی، ابتدا بنیانهای آن را شرح دهیم، سپس مؤلفه‌های حکمی آن در ظهور حکومتی حکمی و قدرتی عقلانی - اخلاقی را عرضه نماییم و در پایان اهمیت بنیادین این خرد در پاسخ به کشمکش قدرت و دانایی را متذکر شده و راهی را نشان دهیم.

**کلیدواژه‌ها:** خرد ایرانی، قدرت، حکمت، فره، فرزاندگی، دانایی، ابن سینا، سهروردی.

## بررسی تطبیقی مبانی هستی‌شناختی مدینه فاضله در فلسفه اسلامی (رابطه عقل و وحی)

محسن پیشوایی علوی\*

یکی از تأملات کلیدی حکیمان و فیلسوفان مسلمان در حوزه سیاست و مدیریت جامعه، تبیین مبانی هستی‌شناختی مدینه فاضله یا دولت آرمانی بوده است. این مبانی اگرچه متعددند اما برخی در تفکر سیاسی ابن فیلسوفان - فارغ از مشرب فلسفی یا حکمی آنها - نقش محوری داشته‌اند. رابطه عقل و وحی یا عقل و شریعت، از این مقوله است. مقاله حاضر جایگاه مقوله فوق را در سه مشرب فلسفی مشاء، اشراق و حکمت متعالیه تحلیل کرده و اشتراکات و تفاوت‌های آنها را از یکدیگر بازخوانی میکند و چگونگی تأثیر عقل و وحی را در رویکرد سیاسی بنیان و پیروان این سه نحله نشان میدهد. از مهمترین نتایج این بحث آنست که با توجه به تغییر و تحولات رخ داده در تاریخ فلسفه اسلامی و ظهور مشربی پس از مشرب دیگر، جهتگیری کلی و عمومی فلسفه سیاسی اسلامی در راستای تبیین آموزه‌های دینی و تعامل عقل و شرع در تدبیر جامعه، گام‌های مؤثر و موفق برداشته است، بگونه‌یی که علاوه بر استکمال در بعد نظری، از حالت نظریه‌یی محض خارج شده و در بعد عملی نیز الگوگونه‌یی از آن در جامعه امروزی تحقق یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه سیاسی اسلامی، هستی‌شناسی، مدینه فاضله، عقل، دین.

## حکومت عادلّه و فاضله در حکمت فلسفی فارابی

سینا ترکاشوند<sup>۱</sup>، الهه علیمحمدی<sup>۲</sup>

هدف پژوهش حاضر تحلیل حکومت عادلّه و فاضله در حکمت فلسفی فارابی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان میدهد که در حکمت فلسفی فارابی، مفهوم عدالت در پیوند با دیگر فضایل اخلاقی است. فارابی عدالت را بعنوان تقسیم برابر خیرات و منافع عمومی تعریف میکند و تدوین قوانین برای تقسیم عادلانه خیرات و منافع و همچنین صیانت از آنچه را که تقسیم شده، از وظایف حکومت میدانند. مسئله فضیلت نیز از ارکان اصلی فلسفه فارابی است، چراکه بنیان نظریات وی در باب «مدینه فاضله»، «اجتماع فاضل»، «امت عادل» و... اینست که همه شهروندان آن اهل فضیلت باشند. فارابی فضیلت را در مفهوم فردی آن، عمل به فضایل اخلاقی در رابطه با غیر میدانند. این فضایل، مجموعه‌یی وسیع از کردارهای پسندیده را شامل میگردد. به این ترتیب، از دیدگاه فارابی عدالت عین فضیلت نیست، بلکه وضعیتی است که بر اثر رعایت اخلاق و انجام افعال ارادی نیک در ارتباط با سایرین حادث میشود. نتایج پژوهش بیانگر آنست که در نظریه فارابی، سعادت انسان که همانا قرب به درگاه ربوبی است، در صورتی تأمین میگردد که انسان عدالت‌محور، در

---

۱. دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛  
sina.torkashvand663@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور اراک.



نظام عدالت‌محور مدینه که بر اساس شریعت عدالت‌محور (نظام تشریح) تنظیم و تنسيق شده است، رفتار نماید؛ ضمن اینکه این موارد بر مدار تکوینی عالم (نظام تکوین) مبتنی هستند که محور اصلی آن عدل و فضیلت است.

**کلیدواژه‌ها:** حکومت، فارابی، حکمت فلسفی، عدالت، فضیلت.

## حکومت و عدالت در حکمت سعدی

عبدالغفور جامی رودی<sup>۱</sup>، محمدسعید جامی رودی<sup>۲</sup>

در حکمت سعدی حکومت و عدالت همسو، همراه و مکمل یکدیگرند؛ استاد سخن، عدالت را بمعنای حق را بمقدار رساندن، تقوای فردی و اجتماعی، اعتدال و رعایت حدّ مناسب و میانه، تعادل سه قوه در نفس فرد و مدینه میداند. صفات حاکم در کلام شیخ، جوانمردی، خوشخویی، بخشندگی، حکمت و معرفت و پرهیز از اسراف است؛ او حکومت را از تجملگرایی، ستم بر زیردستان و بداندیش بودن نسبت به مردم برحذر داشته و دوام حکومت و فراخی و آسایش را در سایه داد و عدالت و پرهیز از رشوه‌گیری و رشوه‌دهی ممکن میداند. شنیدن سخن صاحب غرض و تنبیه و تشویق درست را «نکونام را جاه و تشریف و مال/ بیفزود و بدگوی را گوشمال» و عدم تندى و سبک دست بردن به تیغ را لازمه داورى قلمداد میکند. او پادشاه را از آه یتیم، مظلوم و بیگناه میترساند و حاکمان را ترغیب میکند که افراد شایسته، پرهیزگار و خدا ترس را برای امور کشور انتخاب کنند و آنها را قبل از منصوب کردن، بیازمایند.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات، حکمت، حکومت، دادخواهی، سعدی، عدالت.

## ویژگی‌های فلسفه سیاسی متعالیه و غیرمتعالیه

علی اصغر جعفری ولنی<sup>۱</sup>، سید حسین وارسته حسینی نژاد<sup>۲</sup>، محمد مداحی<sup>۳</sup>

فلسفه در طول تاریخ همواره عهده‌دار امور مختلف جامعه بشری بوده و تبعاً و طبعاً از جایگاه اجتماعی ویژه‌ی نیز برخوردار بوده است. گرچه گاه بدلیل خصومت نظام حکومتی با فلسفه بر اثر تعارض منافع سردمداران حکومت، و گاه بدلیل غفلت یا تغافل و اهمال خود فیلسوفان، این تأثیرگذاری در جامعه کمرنگتر شده و فلسفه صرفاً بعنوان علمی نظری محدود شده است؛ یعنی فلسفه که در آغاز در علوم گوناگون صاحب‌نظر بوده، در ادامه اخلاق را به عرفا، دین را به فقها، و سیاست را به متولیان جامعه سپرده است. ازاینرو فلسفه سیاسی بدلیل گرایشات شخصی (عدم علاقه یا عدم احساس ضرورت) فلاسفه، یا سرکوب و مجازات فیلسوفان توسط نظام حاکم، مهجور ماند و نتوانسته تأثیری قابل توجه در شیوه حکومت داشته باشد.

البته حاکمانی که با اصول حکومتداری خود، نیازها، منافع و امیال نفسانی آنها را در معرض تهدید میدیدند، بتدریج پی بردند که افکار مخالفان (فلاسفه) بسیار خطرناکتر است، چراکه حاکمان دریافتند این افکار فلاسفه است (و نه شخص فلاسفه) که انقلابها را پدید می‌آورد. بر همین اساس درصدد برآمدند بجای نابودی افراد، اندیشه‌ها را نابود سازند و چه تفکری

۱. دانشیار دانشگاه شهید مطهری؛ Jafari\_valani@yahoo.com

۲. دانشجوی فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید مطهری.

۳. دانشجوی فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید مطهری.

بالا‌تر از فلسفیدن در حوزهٔ سیاست، که بنوعی دخالت در کار حاکمان بود. اساساً چگونگی انسان بعنوان موجودی اجتماعی (مدنی بالطبع) میتواند از فلسفه بمتابه بررسی کننده عمیق انسان و ابعاد زندگی او، غفلت کند؛ درحالی‌که یک نظام فلسفی جامع، باید علاوه بر بررسی ابعاد درونی انسان، به بررسی بعد اجتماعی او (جامعه) نیز بپردازد، زیرا بررسی بعد اجتماعی انسان تأثیری عمیق بر تفکر او داشته و مآلاً، نظام فکری شخص را دگرگون میسازد. بهمین دلیل بررسی این شاخه از دانش فلسفه (یعنی فلسفهٔ سیاسی) اهمیت می‌یابد.

فلسفهٔ سیاسی شاخه‌یی از فلسفه است که با روشهای انتزاعی، پدیده‌هایی مانند حکومت، قدرت، حاکمیت، مشروعیت و عدالت را تحلیل میکند. در واقع فلسفهٔ سیاسی با بررسی جامعهٔ مطلوب، مباحث اصلی آن را احراز حقیقت، عدالت، مبانی خیر و صلاح عمومی، لوازم آزادی و برابری، استوارسازی زندگی سیاسی بر اصول اخلاقی، دلیل و ضرورت وجود حکومت و ادله اطاعت اتباع از قدرت تشکیل میدهد.

از اینرو فلسفهٔ سیاسی با اتکا به نظام هسته‌ها و نظام ارزشی اثبات شده، حقایق نظام اجتماعی و روابط انسانی و ارتباط آن را با حاکمیت و قدرت بیان کرده و باید‌ها و نبایدهای معطوف به عرصهٔ سیاست را منطبق میسازد. در واقع این قسم از فلسفه به استلزامات هنجاری و رفتارهای نظام سیاسی و راه سازمان‌دهی دولت و جامعه و تبعیت افراد از آن می‌پردازد.

با بررسی ویژگیهای فلسفهٔ سیاسی از دیدگاه حکمت متعالیه، میتوان گفت: حکمت متعالیه صدرالمتألهین، تعریفی خاص از فلسفهٔ سیاسی و سیاست ارائه کرده که بر اساس آن، سیاست متعالیه، سیاستی جهانی و فراگیر بوده و انسان (بجای حیوان ناطق) حیّ متآله است. یعنی دنیا و

آخرت انسان بدست خود او ساخته شده و تنظیم آن مبتنی بر سیاست متعالیه صورت میگیرد.

پيروان این مکتب، گاهی ظهور اندیشه‌یی نو در این مکتب را تأیید میکنند و گاهی بر این باورند که ملاصدرا صرفاً اندیشه‌های گذشتگان خود را تکرار نموده است. یعنی درحالیکه سید جواد طباطبایی در نقد تازگی اندیشه سیاسی صدرایی، میگوید: «ملاصدرا در بحث مربوط به ماهیت و اقسام مدینه و ریاست آن، مباحث فارابی را در آراء مدینه فاضله (و بویژه الفصول المدنی) باجمال می آورد؛ بدون اینکه سخنی جدید در اینباره گفته باشد» جوادى آملی فلسفه سیاسی او را اندیشه‌یی تازه میداند: «صدرالمآلهین در حال نگارش جنگ نبوده است که در آثارش به خلاصه‌یی از سیاست اشاره کند، بلکه بحث سیاست در پایان مباحث وی، در دستگاه حکمت متعالیه جای دارد.»

البته درمقابل، بررسی فلسفه سیاسی در اندیشه‌ها و مکاتب غیرمتعالیه نیز قابل تأمل است.

با بررسی حکمت سیاسی مکتب اشراق درمی‌یابیم که فلسفه سیاسی اشراق تا حدودی به فلسفه سیاسی نظام شیعی نزدیک است، یعنی حکمت اشراق رابطه دین و سیاست را وثیق و عمیق دانسته و این دو را بمنزله دو بال در پی‌ریزی سعادت انسان بحساب آورده است.

در فلسفه سیاسی حکمت مشاء بخشی از دانش سیاسی در زمره دانشهای حکمی تحت عنوان (سیاست مدن) قرار گرفته و بخش دیگر آن با نام (سیاسیات) جزو دانشهای غیرحکمی و ذیل دانش فقه قرار می‌گرفت. درواقع فیلسوفان مشائی زندگی سیاسی را مبتنی بر تأسیس اصل سعادت، و نه بر اساس اصالت فرد یا اصالت جمع و گروه تحلیل میکردند.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست، فلسفه سیاسی حکمت متعالیه، فلسفه سیاسی غیر متعالیه.

## مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه ملاصدرا

علی اصغر جعفری ولنی<sup>۱</sup>، سیده فاطمه نیک سیما<sup>۲</sup>

بحث از حکومت و اجتماع در رویکرد اندیشمندان مختلف و بویژه فلاسفه در طول تاریخ، از جایگاهی مهم برخوردار بوده است؛ چراکه انسان موجودی اجتماعی و مدنی‌الطبع است، بگونه‌یی که بدون اجتماع نمیتواند به زندگی مطلوب خود ادامه دهد. فلاسفه اسلامی نیز در مورد حکومت و بویژه مؤلفه‌های حکومت مطلوب بحثهایی مفصل ارائه کرده‌اند. این مقاله، ابتدا چستی حکومت را بررسی کرده و سپس به ضرورت و نیاز انسان به تشکیل حکومت از دیدگاه ملاصدرا پرداخته و بر اساس آن، انواع حکومت را با هدف رسیدن به مؤلفه‌های حکومت مطلوب از نظر او مورد بحث قرار میدهد. دربارهٔ حکومت مطلوب، دیدگاههایی متفاوت توسط فیلسوفان گذشته در جهان اسلام از جمله فارابی، ابن‌سینا، سهروردی ارائه شده است که بمثابة جایگاه تاریخی مسئله، نخست بصورت مختصر آراء آنها بررسی شده و در نهایت در تبیین تفصیلی دیدگاه ملاصدرا در باب حکومت مطلوب، مؤلفه‌های اصلی تشکیل یک حکومت در قالب دو عنصر اساسی آن (یعنی رهبر و مردم)، و نقش هرکدام، مورد بررسی و تبیین دقیق قرار میگیرد.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، حکومت مطلوب، شریعت، مردم، رهبر.

---

۱. دانشیار دانشگاه شهید مطهری؛ jafari\_valani@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مطهری؛ sfnik98@gmail.com

## مفهوم‌پردازی ساختار و بازسازی ساختار فرهنگی از منظر حکمت متعالیه

علی جوادی\*

ششم شهریورماه ۱۴۰۰ در اولین دیدار هیئت دولت سیزدهم با مقام معظم رهبری (مدظله)، مطالبه‌یی از سوی ایشان مطرح شد. مطالبه معظم‌له با عبارت «بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگ و رسانه کشور» بصورت خاص، پس از نصب ترکیبی جدید از اعضای حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی به دغدغه‌یی ویژه تبدیل شد. در اینباره متصدیان امر مترصد هستند تا نحوه صحیح این تحول را الگوسازی و پیاده کنند. بهمین دلیل این طلب و اشتیاق وجود دارد تا دیدگاه‌های مختلفی که نخبگان در این زمینه مطرح میکنند نیز شنیده شود.

از سویی، این مطلوب نیازمند مقدماتی است که عموماً ماهیتی نظری دارند. این مقدمات شامل در نظر داشتن دستگاه اندیشه‌ورزی بومی و نظریه‌ی سیاستی متناسب و در ادامه، الگوسازی متناظر با آن است.

مفاهیم سنگ‌بنای نظریه‌ها هستند. مفاهیم در نسبتی وثیق با دستگاه نظری معینی به تعاریف منجر میشوند. از اینرو اگر تعریفی مشترک و بین‌الذهانی از ساختار ارائه دهیم، تا انتها بر مبنای این تعریف، مباحث نظم خواهند یافت. از این حیث، ساختار، ماهیتی انتزاعی دارد و امری ذهنی است. برای معرفی این مفهوم اگر بخواهیم، اصول و مبانی فلسفی معینی را

مطرح کنیم باید به دستگاه نظری بومی حکمت متعالیه تکیه نماییم. بهمین منظور لازم است ابتدا نظریه محض فرهنگ در این دستگاه نظری را تقریر کرده و خوب درک کرده باشیم و سپس مقدماتی را برای تأسیس دانشی بومی از این منظر تمهید نماییم. اگر این دانش را دانش سیاستگذاری فرهنگی بنامیم و مرادمان از این نامگذاری، دانشی جدید و با اقتضات جدید جامعه ایران امروز باشد، این دانش خود باید مبتنی بر دانشی پیشینی شکل گرفته باشد. مدخل چنین دانش جدیدی قاعدتاً باید بر اصولی فلسفی بنا شود و در مقام تجویز، راهگشای حل مسائل جامعه ایرانی باشد. البته تحقق کامل این مهم در یک مقاله میسر نیست و صرفاً تا حد امکان فقط میتوانیم با مفهوم بومی ساختار، مسئله تغییر در ساختار، ضرورت آن در وضع کنونی مواجه شویم و از خود بپرسیم که اگر اصول فلسفه فرهنگ از منظر ملاصدرا را بکار بگیریم، چه تناظرها و شباهتها و نظم و قواعدی برای درک صحیح ساختار و سپس اصلاح آن را میتوان برای رفع اختلالات موجود در حکمرانی مبتنی بر فرهنگ در جامعه ایران امروز، بکار بست؟ در سالهای اخیر تقریری بومی از نظریه محض فرهنگ، از منظر حکمت متعالیه صورت گرفته و از این حیث مانند سالهای پیش از آن، دچار خلاء نظری نیستیم. نگارنده در مقاله‌یی با عنوان «مناشی و بنیادهای فلسفی فرهنگ از منظر حکمت متعالیه» به این مهم پرداخته است. بهمین دلیل در این مجال برای تمهید و درک مفاهیم جدید دانش بومی جدیدی بنام «سیاستگذاری فرهنگی»، سعی داریم مفهوم ساختار و نسبت آن با فرهنگ و اراده عاملان انسانی فرهنگ در جریان سازماندهی کار را به یک معنا تبیین نماییم. در این راستا از چند اصل فلسفی که خود موجد درک صدرايي از فرهنگ هستند - از جمله، وحدت وجود، اتحاد فعل



وجود، تجلی وحدت در کثرت و سیر اشتدادی وجود - بعنوان اصول مبنایی مفهوم ساختار در نسبت با تحول امر فرهنگی نام میبریم و در ادامه آن را تحلیل میکنیم.

**کلیدواژه‌ها:** سیاستگذاری فرهنگی، بومی‌سازی، حکمت متعالیه، فرهنگ.

## نقش حکمت‌متعالیه در بنیانهای فکری انقلاب اسلامی ایران

زهرا حبیبیان\*

انقلابها زیربنای استحکام یا استقرار سیاستها و فلسفه‌های سیاسی در حکومتها هستند. انقلاب اسلامی ایران، به اذعان اندیشمندان، از جمله انقلابهای منحصر بفردی است که اکثر نظریه‌ها، از تحلیل هویت الهی - اسلامی آن ناتوانند. از آنجا که مکاتب فکری و فلسفه‌ها، پشتوانه فلسفه‌های سیاسی و تمدنها هستند؛ به ادعای این نوشتار، حکمت متعالیه از جهت ساختار روشی، گستره ابعاد و قدرت معرفتی و تعاضدش با قرآن و برهان و عرفان، بهترین نقش را در تفسیر، احیا و استمرار انقلاب اسلامی ایفا کرده و با قابلیت‌هایی که در این حکمت هست در سیری تطوری و فرایندی استنتاجی و استخراجی از مبانی آن، در تعاملی دیالکتیکی و دوسویه با انقلاب اسلامی ایران، تعالی سیاست، فلسفه سیاسی و انقلاب را دربرداشته و راهبردی بسوی تحقق گام دوم انقلاب اسلامی و برقراری تمدن نوین اسلامی خواهد بود. مقاله حاضر با بهره‌برداری از آثار و مقالات متعدد فلسفی و بشیوه توصیفی - تحلیلی، پس از بررسی سیر تطور و ناکامی نظریات از تفسیر این انقلاب، به بررسی جایگاه روشی، معرفتی و اصول حکمت متعالیه در بنیانهای انقلاب اسلامی ایران و توانمندی این حکمت در تفسیر و احیا و استمرار آن میپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه سیاست، تعالی‌سیاست، حکمت متعالیه، انقلاب اسلامی ایران.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام پردیس فارابی دانشگاه تهران، طلبه سطح سه فلسفه اسلامی  
حوزه علمیه جامعه الزهرا (س): habibian213@gmail.com

## برتری عدالت بر جود و جور در فلسفه سیاسی امام علی (ع)

عبدالرزاق حسامی فر\*

در فلسفه سیاسی امام علی (ع)، عدالت رکن رکین حکومت است و حاکم مسلمان باید عدالت‌ورزی را چونان یک راهبرد اساسی در تدبیر و تمشیت امور مسلمین دنبال کند. حضرت امیر (ع) عدالت را از یکسو با جود و بخشش مقایسه میکند و بر آن ترجیح می‌دهد و از سوی دیگر به مقایسه عدالت و جور می‌پردازد و با دفاع از عدالت، جور و ستم را رد میکند. از نظر ایشان عدالت به این دلیل بر جود و بخشش تقدم دارد که در پرتو عدالت هر چیزی بر سر جای خود قرار می‌گیرد در حالیکه جود و بخشش امور را از جایگاه اصلی آنها خارج میکند و توازن میان امور را از بین می‌برد. برتری عدالت بر جور و ظلم نیز بدین سبب است که عدالت امور جامعه را نظاممند و بسامان میکند و آرامش برای افراد جامعه فراهم میکند در حالیکه ستمگری، موجب سلب حقوق افراد و بدنال آن سلب آرامش ایشان میشود و زندگی را بر ایشان مشقت‌بار میکند. ایشان می‌فرماید: اگر کسی عدالت را نپذیرد و آن را بر خود دشوار بیابد، قدر مسلم جور و بیعدالتی بر او بیشتر دشوار خواهد بود و او را به مشقت و تنگنای بیشتری دچار خواهد کرد. البته بنظر میرسد تفاوتی که در نسبت میان عدالت و جود از یکسو و عدالت و جور از سوی دیگر وجود دارد اینست که جود در اخلاق فردی یک فضیلت تلقی میشود و بر اساس قاعده لطف، رعایت حقوق دیگران را در

\* استاد گروه فلسفه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)؛ ahesamifar@yahoo.com

خود مستتر دارد. اما در اخلاق جمعی و بویژه در تدبیر امور سیاسی جامعه، بدین سبب که شخص حاکم باید حقوق همه افراد جامعه را استیفا کند و نمیتواند از سر لطف به افراد خاصی، تبعیضی میان افراد جامعه قائل شود، ناپذیرفتنی است و عدالت بر آن ترجیح دارد. اما در مورد جور و ستم شرایط فرق میکند، چراکه ستمگری - چه در اخلاق فردی و چه در اخلاق جمعی - پسندیده نیست.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت، جود، جور، حکومت، اخلاق فردی، اخلاق جمعی.

## حکیم حاکم در اندیشه سهروردی

سهراب حقیقت\*

در سنت فلسفه اسلامی، خداوند متعال حکیم است و عالم را بر اساس حکمت و اتقان و احکام بر آمده از علم لایتناهی خلق کرده است. در مرتبه پایین و مدیریت جامعه نیز فلاسفه مسلمان معتقدند تدبیر و حکمرانی جامعه باید بدست انسان حکیم باشد و حکمت حکیم شاکله حاکمیت را تشکیل دهد. سهروردی از جمله فلاسفه‌یی است که در آثار خود دغدغه حکومت و حاکم آن را دارد. او با تمایز نهادن میان حکمت بحثی و حکمت ذوقی، به طبقه‌بندی حکما پرداخته و آنگاه حاکم شایسته جامعه را معرفی میکند. کمال حکمت بحثی، بخاث و مستدل بودن است و غایت حکمت ذوقی، متأله و ایزدگونه شدن. حکیم کسی است که جامع حکمت بحثی و ذوقی باشد. بهمین دلیل آن فردی شایسته حکومت است که واجد صفت ممیزه، یعنی تأله باشد. در حقیقت محور اندیشه سهروردی در این بحث، تأله و نسبت آن با فره ایزدی است. نکته اینست که آیا این نوع نظریه‌پردازی در فلسفه سیاسی میتواند در مقام عمل ظهور یابد یا مختص جوامع آرمانی و ناکجاآباد است؟ اگر مختص جوامع غیرآرمانی است پس چرا تحقق نیافته است؟ عوامل شکلگیری جامعه حکمت‌محور و متقابلاً موانع آن، چیست؟ بررسی این پرسشها در چارچوب اندیشه سهروردی موضوع این پژوهش را تشکیل میدهد.

**کلیدواژه‌ها:** حکمت، متأله، حکیم، جامعه، سهروردی.

## مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه ملاصدرا

معصومه حلیمی،<sup>۱</sup> اعلیٰ تورانی<sup>۲</sup>

در تاریخ زندگی بشر حکومت، بویژه حکومت مطلوب، همواره در میان جوامع بشری، خصوصاً جوامع اسلامی مورد بحث و بررسی بوده است. در جهان اسلام و بطور خاص مذهب تشیع، اندیشمندان برای تبیین حکومت مطلوب، به تقلین و کتاب وحی رجوع کرده و بصورت محسوس یا نامحسوس در مکتوبات خود، مهمترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب را برشمرده‌اند. ملاصدرا که پیرو مکتب تشیع بود و نمایش‌دهنده نوعی تلفیق از هزار سال تفکر و اندیشه اسلامی پیش از خود، بنحو اولی باید به مؤلفه‌های حکومت مطلوب در مکتب حکمت متعالیه پرداخته باشد. پژوهش حاضر با همین موضوع، بروش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌یی، نخست به مفهوم سیاست و حکومت در اندیشه ملاصدرا پرداخته و سپس مهمترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب از منظر وی را بررسی نموده است. البته باید به این نکته اشاره کرد که ملاصدرا بصراحت حکومت مطلوب را در نوشته‌های خود ترسیم نکرده بلکه میتوان این خصیصه‌ها را از مؤلفه‌های مد نظر شارحان مکتب صدرایی، استناد به آثار ملاصدرا و حکمت عملی او استنباط نمود.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، حکومت مطلوب، سیاست.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه الزهرا.

۲. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه الزهرا؛ [toran@alzahra.ac.ir](mailto:toran@alzahra.ac.ir)

## سیاست در فقه تهران

### (گذری تاریخی از مدرسه مروی تا تأسیس حاکمیت دینی)

حمیدرضا خادمی\*

غوغای مدرنیته که در جهان بالا گرفت، بسیاری را بخود مشغول کرد. توسعه جهانی مدرنیته و رشد و گسترش سکولاریزاسیون در غرب، در ایران نیز از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفت کار به جایی رسید که شعار «از فرق سر تا نوک پا غربی شدن» در خفا یا علناً به گوش میرسید. اما در تهران هنوز فقیهان و حکیمانی بودند که به داشته‌های فرهنگ بومی و اسلامی توجه داشتند و به مواجهه با اندیشه غرب و پیامدهای ناشی از آن پرداختند. مواجهه‌ی هوشمند که گام به گام برداشته میشد و از میراث دینی و بومی صیانت میکرد. در این تحقیق با رویکردی تاریخی گامهایی که بدنبال این مواجهه برداشته شده و در حوزه حاکمیت دینی به نتایجی انجامیده است، بررسی میشود.

**کلیدواژه‌ها:** حاکمیت دینی، مدرنیته، سکولاریزاسیون، فقیهان و حکیمان.

## مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)

اصغر رجبی ده‌برزویی<sup>۱</sup>، محمد بیدگلی<sup>۲</sup>

یکی از بنیادیترین پرسشهایی که در فلسفه سیاسی از آغاز پیدایش تاکنون مطرح شده است و هر یک از فیلسوفان بزرگ سعی کرده‌اند بنحوی از انحاء به آن پاسخ دهند، اینست که حکومت مطلوب برای اداره و رهبری جوامع انسانی چه مؤلفه‌هایی دارد؟ امام خمینی از جمله فیلسوفان معاصر است که توانست آرزوی حکومت مطلوب فلاسفه را محقق نماید. پرسش اصلی مقاله اینست که مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه امام خمینی (ره) چیست؟ فرضیه پژوهش اینست که مهمترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه امام خمینی با الهام از آموزه‌های قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) و فلسفه اسلامی شکل گرفته و عبارتند از: توجه به مشروعیت و الهی بودن حکومت، اطاعت‌ناپذیری طاغوت، حاکمیت قانون، اخلاق‌گرایی و عدالت‌جویی، و مشارکت حداکثری مردم. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌یی و مقالات اینترنتی، به روش کیفی و استنباطی، به مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی، حکومت مطلوب، حکمت حکومت، فلسفه سیاسی.

---

۱. استادیار دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال؛ asgharrajabi021@gmail.com  
۲. دانش آموخته دکترای علوم سیاسی - گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ mohammad.bidgoli@yahoo.com



## نظریهٔ نبوت و ولایت نزد حکمای مشائی

رضا رسولی شریانی<sup>۱</sup>، مرضیه اخلاقی<sup>۲</sup>، ابراهیم امرانی<sup>۳</sup>

نظریهٔ ولایت از جمله موضوعات بحث‌برانگیزی است که با دو رویکرد دینی و فلسفی نیازمند بررسی است. ولایت می‌تواند بصورت تکوینی، تشریحی، باطنی و امری باشد. ولایت تکوینی تأثیرگذاری شخص ولی در قوانین کائنات است. ولایت تشریحی اجازه و قابلیت دریافت و تصدیر وحی با دو شرط عصمت و علم لدنی است که برای پیروان نبی بعنوان حجت تلقی شده و تنها در مورد امامان معصوم صادق است. ولایت باطنی همان تصرف بر قلوب انسانهای مختار و هدایت از طریق باطن و با استفاده از نفوذ کلام و سیطرهٔ معنوی است. ولایت امری یعنی پذیرش مسئولیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعهٔ دینداران که افراد جامعه آن را به ولی واگذار میکنند. این نوع ولایت در جوامع گذشته بصورت بیعت بوده و در جوامع جدید بشکل فراندوم محقق میشود. در میان فیلسوفان اسلامی، فارابی و ابن سینا بوسیلهٔ قواعد فلسفی خود، مبحث ولایت و نبوت را در چارچوبی عقلانی (نه ایمانی) تبیین کرده‌اند. ارتباط با عالم عقول برای دریافت وحی و میسر ساختن نبوت الهی برای انسان و ابلاغ آن به عالم طبیعت و استفاده از آن بعنوان ولی در مسیر هدایت و سعادت مردم، نیاز به تبیینی عقلانی دارد. ابن سینا و فارابی انبیا را دارای ولایت تشریحی و امری دانسته و در آثار مکتوب خود به ولایت باطنی و معنوی پرداخته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت، نبوت، ابن سینا، فارابی، وحی، خیال.

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور؛ rasooly51@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه پیام نور؛ akhlaghi@pnu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور؛ e.amrani496@gmail.com

## درونی‌سازی ارزش ولایت‌پذیری در منش و شخصیت متریبان بر پایه رویکرد تربیت منش و شخصیت توماس لیکن

مهدی رضایی\*

تربیت منش و شخصیت متریبان بر محور ارزشها همواره در پژوهشهای فلسفی و روان‌شناختی تعلیم و تربیت از با ارزشترین موضوعاتی بوده که محور توجه بسیاری از پژوهشگران این گستره از علوم انسانی قرار گرفته است. پژوهش حاضر در جستجوی آن است تا چگونگی درونی‌سازی ارزش ولایت‌پذیری در منش و شخصیت متریبان را در بستر رویکرد تربیت منش و شخصیت توماس لیکن بنمایش بگذارد. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی به روش اسنادی و کتابخانه‌یی به بررسی راهکارهای درونی‌سازی ارزش ولایت‌پذیری در منش و شخصیت متریبان میپردازد. نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که درونی‌سازی ارزش ولایت‌پذیری در گام اول به آموزش منظم و منسجم در بستر نهاد آموزش و پرورش و خانواده نیاز دارد. این آموزش منسجم نیازمند تعیین اهداف، تولید محتوای آموزشی، روش مناسب تدریس و سنجش و ارزشیابی در هر سه بخش دانایی، احساس و رفتار اخلاقی است. همچنین درونی‌سازی این ارزش دینی در مدرسه در بستر عوامل مختلفی مانند مشارکت انجمنهای مدرسه، سیاستگذاریهای تربیتی، تعیین ویژگیهای شخصیتی ارزش‌مدار، بهره‌مندی از الگوهای بزرگسالی و بچالش کشیدن دانش‌آموزان در آموزش ارزشها پدیدار میشود.

**کلیدواژه‌ها:** تعلیم و تربیت، ولایت‌پذیری، ارزش، رویکرد منش‌پروری، توماس لیکن.

## رئیس حکومت و ویژگیهای او از نظر ملاصدرا

(بر پایه کتاب مبدأ و معاد)

علی اصغر زکوی<sup>۱</sup>، محمد ملائی ایولی<sup>۲</sup>

تشکیل حکومت بمنظور دستیابی بشر به اهداف فردی و اجتماعی خود، یک ضرورت عقلانی است. اما بحث دربارهٔ حق حاکمیت و ویژگیهای حاکم همواره از جمله مباحث چالش برانگیز بوده است. هدف از این نوشتار واکاوی آراء ملاصدرا در زمینهٔ رئیس حکومت و خصوصیات اوست. پرسش اصلی اینست که از منظر ملاصدرا حق حاکمیت بر جامعهٔ اسلامی برای چه کسی ثابت است و وی چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟ این مطالعه از نوع پژوهش تحلیل محتواست که با مراجعه به منابع مکتوب آن حکیم متأله، با تکیه بر کتاب مبدأ و معاد انجام میگردد. با جمع‌آوری داده‌ها و با عنایت به برخی مبانی فکری ملاصدرا مانند اعتقاد به توحید، حق حاکمیت الهی، قاعدهٔ امکان اشرف، مراتب عقل، قاعدهٔ الواحد، اصالت و تشکیک وجود، و معنای سعادت و کمال حقیقی، مشخص شد که از نظر ملاصدرا اولاً، وجود رئیس حکومت برای ادارهٔ جامعه و سوق دادن افراد به سعادت و کمال حقیقی بشر یک ضرورت است. ثانیاً، از آنجا که حق حاکمیت بالذات متعلق به خداوند است، تنها فردی حق حاکمیت بر مردم را دارد که از

۱. دانشیار فلسفه، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران؛ a.zakavi2009@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، نویسنده مسئول؛ m.mollai20@gmail.com

سوی خداوند مأذون و منصوب باشد. چنین فردی بر اساس قاعدهٔ امکان اشرف بترتیب، یا نبی خداست که با تکیه بر دانش لدنی خود سعادت حقیقی و راه رسیدن به آن را بدرستی می‌شناسد یا امام مأذون و منصوب از طرف اوست. ملاصدرا در ادامه برخی از ویژگیهای حاکم را بیان میکند.

**کلیدواژه‌ها:** حاکم، ویژگیها، مبدأ و معاد، ملاصدرا.

## چشم‌اندازی بر ارزشهای سیاسی در فرهنگ اسلام از منظر امام علی (ع) با رویکردی بر کتاب شریف نهج البلاغه

حسین سلطان محمدی<sup>۱</sup>، فاطمه سلطان محمدی<sup>۲</sup>

شریعت اسلام مجموعه‌یی از ارزشهای شایسته حیات بشر و نیز تعالیم و آموزه‌هایی برای محافظت از شأن و کرامت اوست. حضرت علی (ع) فاضلترین شارح و تبیین‌کننده این تعالیم و آموزه‌هاست که سراسر وجودشان عجین با معارف و حقایق قرآن و زندگیشان ملازم با آن است و نهج البلاغه بعنوان سندی برجسته و ممتاز از تعامل اندیشه علوی با قرآن کریم خبر میدهد. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌یی سعی دارد «ارزشها» را در حوزه مباحث سیاسی از منظر امام علی (ع) با رویکردی بر کتاب شریف نهج البلاغه واکاوی کند. بر همین اساس ابتدا نگرش حضرت به سیاست را بررسی و سپس، التزام و تقید به کتاب و سنت و ارزشهایی مانند تقوا، عدالت، آزادی و مردماری را تبیین مینماید. یافته‌های تحقیق حاکی از آنست که از منظر امیرالمؤمنین همه ارزشها در حیطه مسائل سیاسی - حکومتی، در امتداد تحقق فرامین الهی و خدمت‌رسانی به شهروندان و تأمین نیازهای آنهاست؛ و این امر نه تنها ارزش بلکه فریضه و رسالتی الهی برای مشروعیت یافتن زمامداری و قدرت بحساب می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** نهج البلاغه، ارزشهای سیاسی، ارزشهای فرهنگی، تقوای سیاسی، عدالت سیاسی.

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق، نویسنده و پژوهشگر؛ hosinsoltan@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری سطح ۴ رشته تفسیر و معارف قرآن، استاد و پژوهشگر؛ god44550@yahoo.com

## تبیین مفهوم ولایت و تربیت در زندگی

مسلم شجاعی<sup>۱</sup>، سیدسجاد ساداتی زاده<sup>۲</sup>

ولایت یکی از ارکان اصلی و آموزه‌های اساسی دین مبین اسلام و بتعبیر دقیقتر، اصلیتین و اساسیتین آموزه آن است. همه ما برای داشتن تربیت ایده‌آل تلاش میکنیم و بدنبال بهبود زندگی خویش به طرق مختلفیم و در این راستا درصدد انتخاب بهترین تربیت برای رسیدن به اهداف تعیین شده هستیم؛ تربیتی که تمامی زوایای زندگی را پوشش داده و حتی در تنگناها راهگشا باشد. اگرچه مکاتب بشری داعیه‌دار معرفی سبکی موفق برای زیستن هستند اما در این میان ادیان نیز سبک دینی را معرفی میکنند که از سوی خداوند دریافت کرده‌اند. بهمین دلیل در پرتو اصل ولایت، تعالیم و راهکارهای هدایتگری و کمال‌گرایی را آموزش میدهند که این موارد را در ادامه تبیین خواهیم کرد. بر این اساس محقق با تعریف مفهوم دقیق از دین اسلام و تشریح دستورات آن در زندگی فردی و اجتماعی به این نتیجه رسیده است که با پیاده کردن جلوه‌های ولایت رحمانی در تربیت خود، نه تنها زندگی شخصی متعادل و پرمعنایی خواهیم داشت بلکه نتیجه و خروجی آن در زندگی اجتماعی و جامعه، امنیت، نظم و مشارکت را نیز بدنبال خواهد داشت. تربیت از نیازهای اولی بشری است که در سایه آن تحقق نیازهای دیگر نیز امکانپذیر است. این پژوهش درصدد است به نقش مفهوم ولایت در

---

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان امام جعفرصادق (ع)، بهبهان (نویسنده مسئول)؛ moslem.shojae@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز؛ saydsajadsadatizadeh@yahoo.com

تربیت و زندگی و ایجاد جامعه‌ی امن و منظم بپردازد. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در پرتو ولایت، تربیت زمانی معنای واقعی بخود می‌گیرد که در چارچوب ولایت و در محور و مدار آن تحقق یابد.

**کلیدواژه‌ها:** تبیین، تربیت، مفهوم ولایت، سبک زندگی.

## معیار تشخیص عدالت در اندیشه ملاصدرا

نادر شکراللهی\*

مهمترین وظیفه حکومت در اندیشه دینی، تحقق عدالت اجتماعی است. تعیین مصداق عدالت باید در حکمت عملی بررسی شود. پرسش نوشتار حاضر اینست که پاسخ ملاصدرا به شیوه تشخیص عدالت چیست؟ او فیلسوفی شیعی است؛ طبیعتاً با این دو قید - یعنی فیلسوف بودن و شیعه بودن - باید در گروه عقلگرایان قرار گیرد و به حسن و قبح ذاتی و عقلی، از بعد هستی‌شناسی معرفت‌شناسی رأی دهد. اما سخنان او به اشعریت نزدیک است؛ یعنی برای تشخیص قواعد عدالت اجتماعی متکی به دین است. دلیل این مدعا مطالبی است که او در بخش نبوت و سیاست آثار خود آورده است. ملاصدرا ضرورت نبوت را - همچون بسیاری از حکمای مسلمان - بر پایه نیاز جامعه به قانون میداند که بر اساس عدالت در آن حکومت شود، و این قانون، شرع است. او در باب خصوصیات رئیس مدینه فاضله، نبی‌یی که با قوه عاقله و متخیله به عقل فعال متصل شده باشد را برتر از فیلسوف می‌شمارد. این دو در کنار هم حاصل میشوند؛ یعنی عدالت اجتماعی بر اساس شرع بدست می‌آید. این عبارات را چه معرفت‌شناسانه در نظر بگیریم و چه هستی‌شناسانه، جایگاه عقل بشری در تشخیص عدالت را کنار می‌گذارد و نگاه اشعری را مسلط میکند. پاسخ به این ابهام، به روش تحلیل سخنان ملاصدرا مقصود این پژوهش است.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت اجتماعی، اندیشه دینی، نبوت، عقل، شرع.



## حکیم در قامت انسان کامل

فاطمه صحرایی<sup>۱</sup>، حسن صیانتی<sup>۲</sup>

شناخت انسان و توجه به ابعاد وجودی او، همواره مورد توجه همه ادیان، مذاهب و مکاتب بوده است. پس از موضوع توحید، مهمترین بحث در عرفان نظری، موضوع «انسان کامل» است. نسبت بین «حکیم»، «ولی» و «انسان کامل» مورد توجه این مقاله است. انسان کامل کسی است که از دانش و حکمت برخوردار باشد و جانشین خداوند است. انسان حکیم کسی است که اعمالش با قوانین عالم هستی هماهنگ باشد و حکیم کسی است که افعال خود را به بهترین وجه و از نزدیکترین راه انجام میدهد.

ولایت در نگاه عرفان اسلامی زمانی حاصل میشود که بنده از انانیت خود رهایی یابد و به مقام فنای در حق نایل آید. «ولایت» عبارتست از ارتباط بیواسطه انسان کامل با حق تعالی که از طریق فنای در حق حاصل میشود و انسان در این مسیر بدون هیچ واسطه‌ی معارف و حقایق را از خداوند اخذ میکند. از دیدگاه عرفان اسلامی، انسان کامل همان حکیم است که واسطه میان خداوند و خلق است و در واقع همان ولی خداست که نقش خلیفه الهی را بر روی زمین دارد.

**کلیدواژه‌ها:** انسان کامل، حکیم، ولی، ولایت، عرفان نظری.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری؛ siyanati@gmail.com

## حکمت حکومت متعالی (معطوف به حکومت حکمت متعالی)

علیرضا صدرا\*

**مسئله:** حکمت حاکمیت و حکومت متعالی، مبین مراتب هستی و هستی‌شناسی و چیستی و چیستی‌شناسی، چگونگی و چگونگی‌شناسی حاکمیت حکمت مدنی در حکمت متعالی بمنظور چگونگی‌سازی دولت بایسته و حکومت شایسته میباید. **پیش‌فرض:** حکمت متعالی، معطوف به حکومت مدنی است. **پرسش اصلی:** حکمت حکومت متعالی چیست؟ پرسشهای فرعی: چرا؟ چیست؟ چگونه؟ **فرضیه:** «حکمت حکومت متعالی از بنیاد هستی و فطرت انسانی مدنی آغاز شده با حکومت مدنی کارآمد در فرایرد پیشرفت ملی تا خودشکوفایی اجتماعی و سیاسی فراز می‌گراید». **توضیح فرضیه:** گفتمان اسفاری چهارگانه، الگوی فنون دوگانه خودسازی از مبدأ با تربیت معادی تا جامعه‌سازی متعالی است. فرایرد گذر از زیست و زندگی مدنی متدانی و گذار به بهزیست و زندگانی اجتماعی و سیاسی تا تمدن‌سازی متعالی میباید. سفر چهارم حکومت حکمت، اِکمال اسفار پیشین حکمت حاکمیت میباید. نتیجه: حکمت متعالی نظری و محض، بنیاد حکمت عملی و مدنی و معطوف به حکومت و نظام اجتماعی و سیاسی متعالی است. حاکمیت و حکمروایی شایسته بر بنیاد، بروز و برآمد حکمت میباید. **روش‌شناسی:** تحلیل متن و محتوایی آثار و آراء مرجع حکمت متعالی صدرایی معطوف به سیاست، حاکمیت و حکومت است.

**کلیدواژه‌ها:** حکمت، حکومت، متعالی، انسان، مدنی، هستی، چیستی.

## بررسی ولایت انسان کامل از دیدگاه صدرالمتألهین

عبدالله صلواتی<sup>۱</sup>، فاطمه کوکرم<sup>۲</sup>

نظریه انسان کامل از دیرباز همواره مورد علاقه اندیشمندان بزرگ بوده و یکی از مهمترین ارکان عرفان اسلامی است. از میان عرفایی که به این مسئله توجه نشان داده‌اند، ابن عربی بیش از دیگران بدان پرداخته است و بنظر میرسد این نظریه اولین بار توسط او مطرح شده باشد. ملاصدرا متأثر از ابن عربی است و با حفظ هویت فلسفی و برهانی، اصول فلسفی خود را با آموزه‌های وحیانی و عرفانی همراه کرده است. نگارندگان این پژوهش قصد دارند به بررسی دیدگاه صدرالمتألهین در مورد انسان کامل بپردازند. ملاصدرا با رویکردی وجودی، ابتدا بر اساس وحدت تشکیکی و سپس بر مبنای وحدت شخصی وجود، انسان کامل را تبیین میکند. وی نخست بر پایه نظریه وحدت تشکیکی، معتقد به وحدت حقه حقیقیه خداوند است، اما بعد از آن به تأسی از ابن عربی، به وحدت شخصی وجود و کثرت در مظاهر رسیده است. صدرالمتألهین بر مبنای وحدت شخصی با ابن عربی همراه شده و انسان کامل را بزرگترین جلوه حق تعالی، کون جامعی که با علم خود بر تمام خلقت، در قوس صعودی آنها را هدایت میکند. ملاصدرا همچنین بر مبنای وحدت تشکیکی وجود، عقل را مخلوق نخستین و بر مبنای وحدت شخصی وجود، صادر نخستین را وجود منبسط و حقیقت محمدی(ص) میداند.

۱. دانشیار فلسفه اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران؛ a.salavati@sru.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، (نویسنده مسئول)؛ fkookaram@sru.ac.ir

پرسش اساسی این مقاله آنست که انسان کامل چه نسبتی با ولایت دارد؟ ولایت انسان کامل چه نسبتی با عالم دارد؟ از دستاوردهای تحقیق حاضر اینست که ولایت در انسان کامل ویژگی‌بی محوری و گرانبهایی است و بنحوی ادعای نگارندگان مقاله آنست که بر اساس ویژگی ولایت در انسان کامل میتوان بسیاری از ویژگیهای دیگر را اثبات کرد. یکی از این ویژگیها بحث خلافت است، چون انسان کامل ولایت تامه دارد و ولایتش به سریان ولایت حق در عالم جاری است، خلیفه الله است و بر اساس ولایت او میتوان ویژگیهای دیگری را نیز مطرح کرد. شناخت انسان کامل از این جهت اهمیت دارد که با شناخت او به الگوی کاملی از انسان دست پیدا کرده و میتوان بر اساس سیره او رفتار کرد. انسان کامل در عالم جایگاهی ویژه دارد و تمام عالم در پناه او حفظ میشود، چون هدف از خلقت جهان آفرینش، ظهور انسان کامل است. ضرورت انسان کامل تنها برای عالم انسانی نیست، بلکه ضرورتش برای کل عالم است، یعنی انسان نه تنها برای طی مراتب کمال به انسان کامل نیاز دارد، بلکه کل عالم برای بقا و حفظ خود نیازمند انسان کامل است.

از جمله دستاوردهای این پژوهش میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) انسان کامل با جواب مثبت به سؤال الهی «ألسنت بربکم؟ قالوا بلی» (اعراف / ۱۷۲) تمام اسماء را از مریبی خود آموخته «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره / ۳۰) و با سعی و کوشش «لِیْسَ الْإِنْسَانُ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / ۳۹) در خود محقق ساخته است و بهترین رنگ را گرفته و صبغة الله شده است.
- ۲) چگونگی راههای رسیدن به مرتبه ولایت که از طریق سیر در مراتب عالی وجودی امکانپذیر است و با فنا و معرفت نفس بدست می‌آید.
- ۳) مراتب و اقسام ولایت که در آثار ملاصدرا تصریحی در مورد آنها وجود

نداشته و نگارندگان از میان آیات سوره‌های مختلف آنها را جستجو و تبیین کرده‌اند. ولایت زمینه‌ساز دستیابی به والاترین درجه انسانی است و «ولی» در نسبت با دیگر ویژگیهای انسانی، عالیت‌ترین خصیصه انسان کامل است.

۴) انسان با رنگ و خلق الهی گرفتن، یعنی شباهت با اسماء و صفات از حیث کمی و کیفی، وجه الله می‌گردد. انسان کامل انسانی است که جامع اسماء و صفات خداوند است. حق در این آئینه جمیع اسماء خود را مشاهده می‌کند. ملاصدرا حقیقت انسان را نفس ناطقه او میداند که دارای ترکیب اتحادی با بدن است. بعقیده او نفس انسانی مدام در ترقی و تکامل است و بوسیله حرکت جوهری میتواند از مرتبه طبیعت به مجرد تام برسد. او معتقد است انسان با تکمیل دو قوه نظری و عملی، مسیر خود را تا رسیدن به مقام فنا و بقای بعد آن ادامه میدهد و واجد مقاماتی مانند ولایت و خلافت میشود. بنظر او این مقامات محصول کمال وجودی انسان است و انسان کامل بدلیل برخورداری از این درجه وجودی برتر و مظهریت اتم خداوند دارای ویژگیهایی مانند عصمت و علم لدنی میشود.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت، انسان، کمال، انسان کامل، صدرالمآلهین.

## رابطه سیاست با دیانت و نقش آن در برقراری مدینه فاضله با نگاهی به آراء سیاسی حکمای مسلمان

یحیی صولتی\*

سیاست، خط مشی انسانی و روش حکومتداری است که ذیل حکمت عملی قرار میگیرد و دیانت، جهانبینی الهی است که در چارچوب حکمت نظری قرار دارد. برغم نگرشهای نامعقول و عوام‌فریبانه در باب سیاست، اگر بر اساس دین مبین و بر مبنای عقل سلیم عمل کنیم، نه تنها بین سیاست و دیانت هیچگونه اختلافی دیده نمیشود، بلکه میان آنها همپوشانی و ارتباطی خاص را درمی‌یابیم. سرّ این مطلب، در تلازم اعتدالی بین عقل و دین است که بعنوان دو بال پرواز برای رسیدن انسان به سعادت، ارزیابی میشوند. انسان عاقل، با اتخاذ سیاست معقول، در مسیر اعتدال قرار میگیرد و قرار گرفتن در مسیر اعتدال، همان التزام به دستورات دینی و احکام الهی است. اینجاست که سیاست در خدمت دیانت قرار میگیرد و دیانت بعنوان طرحی جامع، زمینه اجرای سیاست را فراهم میسازد. چنین ارتباطی، همواره مورد توجه حکمای مسلمان واقع شده است؛ بگونه‌یی که در آراء سیاسی فارابی، ابن‌سینا و... تحقق مدینه فاضله از مهمترین اهداف حکمت عملی آنها بوده است. آخرین آرزوی بشر در تحقق این مدینه فاضله، انتظار ظهور حضرت ولی عصر (عج) و تشکیل حکومت

عدل جهانی است که ان شاءالله با ظهور خود، این آرزوی دیرینه بشر را برآورده ساخته و به وعده الهی جامه عمل خواهد پوشاند.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست، دیانت، مدینه فاضله، ولی عصر (عج)، حکمای مسلمان، حکمت نظری، حکمت عملی.

## نقش عقل در اجرای عدالت از راه شناسایی قوانین طبیعی

محمدحسین طالبی\*

واژه طبیعت یکی از معدود واژگان فلسفی است که معانی بسیار دارد. برخی از آنها عبارتند از: ذات، نیروی ذاتی، اصل و ریشه، چیز عادی و سالم، اثر موجود زنده، جزء ذاتی هر موجود زنده، عنصر اولیه، هر نوع جوهر، وجود و اتم. این اشتراک لفظی همواره سبب ابهام در معنای مقصود و در نتیجه، سبب تحیر در برداشت مناسب از آن لفظ شده است. برای پیشگیری از این سردرگمی، این نوشتار از همین ابتدا و قبل از ورود به بحث، معنای طبیعت را بروشنی بیان میکند. مقصود از طبیعت در این مقاله همان معنای نخست، یعنی ذات است و طبیعی نیز بمعنای ذاتی است و عدالت بمعنای دادن حق به صاحب آن.

هدف این نوشتار آنست که نشان دهد عقل بشر با شناخت طبیعت (ذات) موجودات در تأمین عدالت جهانی نقش بسیار مهم دارد. اجرای عدالت متوقف بر چند امر ترتیبی است: ۱. شناخت طبیعت موجودات، ۲. شناخت قوانین طبیعی حاکم بر آنها، ۳. شناخت حقوق طبیعی آنها، ۴. وضع قوانین متناظر با این حقوق در دستگاههای قانونگذاری کشورها و ۵. اجرای آن قوانین. همه این امور متوقف بر کارکرد عقل سلیم است. به سخن دیگر، عقل بشر درمی یابد که همه موجودات چون ذات، یعنی طبیعت، دارند، از حقوق ذاتی، یعنی حقوق طبیعی، نیز برخوردارند. راه اثبات این حقوق قانون طبیعی است.

**کلیدواژه‌ها:** طبیعت، قانون طبیعی، حقوق طبیعی، عقل سلیم، عدالت اجتماعی.



## مراتب عقل در حکمت متعالیه

زهرا عباسی\*

عقیده و ایمان پدیده‌یی است که بطور فطری از آغاز بلوغ عقلی در نهاد بشر نقش میبندد، خواه بگونه درست و آگاهانه و خواه ناآگاهانه و از راه تقلید. این امر خود موجب پیدایش مکاتب و ادیان و ظهور مذاهب مختلف شده است. اکثر مردم غالباً عقاید خود را بر اساس تقلید کورکورانه پی‌ریزی میکنند، ولی در میان خواص، عکس قضیه است؛ زیرا این گروه که در واقع رهبری توده‌های مختلف را برعهده دارند، اغلب عقاید خود را از روی آگاهی و مطالعه، تنظیم و ابراز میکنند. بدون شک یکی از دغدغه‌های اساسی ذهن بشر، مسئله عقل است که بیشتر فلاسفه و اندیشمندان بدنبال پاسخی به آن بوده‌اند. در میان فلاسفه اسلامی، صدرالمآلهین شیرازی (ملقب به ملاصدرا) توانست علاوه بر اینکه اندیشه و فلسفه مشائیان و اشراقیان را با هم تلفیق کند، تقریر آراء خود را با تعالیم اسلامی بگونه‌یی سازگار نماید که نتیجه آن حل مشکلات اساسی‌یی بود که حکمای مشائی و اشراقی با آن مواجه بودند. ملاصدرا سه راه برهان عقلی، تهذیب نفس و وحی را با یکدیگر ترکیب کرد. استفاده از این شیوه نقشی مؤثر در ایجاد آموخته‌های دینی و مفاهیم فلسفی داشت. این تحقیق با بررسی نظریات ملاصدرا به بیان جایگاه و مراتب عقل در حکمت متعالیه میپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** عقل، حکمت متعالیه، تفکر فلسفی، ملاصدرا.

## تبیین رابطه حکیم متأله با معمار خلیفه از منظر صدرالمتألهین در شکلگیری معماری و شهرهای نوین

جانا عربزاده<sup>۱</sup>، حسن بلخاری قهی<sup>۲</sup>

حکمت، فضیلتی است تا بدان ابناء بشر با خردمندی زندگی کرده و زیستگاهها و جوامع آرمانی خود را تحقق بخشند. مدینه حکیمانه تحقق رؤیایی آرمانگونه در زمین مادی است که انسان بر روی آن زیست میکند. از منظری دیگر، انسان بعنوان خلیفه خداوند بر زمین، میبایست در پی ایجاد زمین و شهری حکیمانه، متأله و پایدار باشد. اندیشه خلاقیت در تمامی انسانها نهفته است، از اینرو آن دسته که به خلق فضا بعنوان معمار یا شهرساز میپردازند، حکیمانی هستند که باید فضاهایی را محقق سازند تا در آن اندیشه‌ورزی به شکوفایی رسیده و انسانها در مسیر رشد و تعالی روحی با ارتقای کیفیت زیستی، زندگی نمایند. دنیای کنونی با مبانی ذکر شده بیگانه است. امروزه شاهد شهرها و معماری هستیم که هرچند با نوینترین فناوریها شکل گرفته‌اند، اما با حکمت طراحی بیگانه‌اند. یکی از مسائل نوین مطرح در این حوزه، شکلگیری جغرافیای هیولایی است. این نظریه با دنیای مجازی شهرهای سایبری بیگانه نیست. حال پرسش مطرح شده اینست که چه نسبتی میان این جغرافیا با مدینه فاضله‌یی که بر اساس حکمت متعالیه ترسیم شده، وجود دارد؛ و همچنین نقش معمار

۱. دانش‌آموخته دکتری معماری، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی؛  
j.arabzadeh64@gmail.com

۲. استاد مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران.

بعنوان خلیفه خداوند، در ایجاد چنین فضاهایی و تحولات اجتماعی و رفتاری جامعه چیست؟

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، و با استفاده از راهبرد مفهوم‌سازی داده‌بنیاد، با هدف بیدارسازی حکیمان، معماران و خالقان فضاهای زیستی، به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های صدرالمآلهین و مفسران اندیشه وی در جهان کنونی جغرافیاهای هیولایی و شهرهای سایبری میپردازد. روش پژوهش بصورت کیفی و مبتنی بر استراتژی تحلیلی - توصیفی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌یی است. بیشترین موارد یاد شده در اندیشه صدرایی در مورد مسئله پژوهش، توجه به سرشت انسان و فیلسوف بودن حاکمان، حرکت در راستای دستیابی به کمال انسانی، توجه به معنویت در فضاهای شهری برای تعالی انسان میباشد؛ که با شکلگیری جهان کنونی - چه در شرق و چه در غرب - بیگانه است.

**کلیدواژه‌ها:** حکیم متأله، معمار، خلیفه‌الله، معماری، جغرافیاهای هیولایی، شهرهای سایبری.

## آرمان شهر صدرایی در تطبیقات عقلانی و وحیانی

حسین عرب\*

نظام عریض و عمیق حکمت متعالیه صدرایی آیا از حیث محتوا و متن فقط از عالم بالا و از جهان ماوراءالطبیعه و متافیزیک سخن گفته یا حرفی هم برای عالم ناسوت و انسان زمینی و چگونگی زیست اجتماعی او و تعامل انسانها با یکدیگر و قواعدی نیز برای یک مدنیت عادلانه و طرحی برای پیمودن مسیر منصفانه و رسیدن آدمیان به حقوق و جایگاه خود دارد؟ بیتناسب نیست که این خاطره را یادآوری کنم که در یکی از همایشهای جهانی مربوط به ملاصدرا، دانشمندی از مصر سخنرانی کرد و محور سخنش این بود که همه از حکمت متعالیه صحبت میکنند، قدری هم باید از حکمت متدائیه سخن بگوییم، که یکی از اساتید معروف در جواب او گفت حکمت متعالیه به این مقصود نایل میشود. واقعیت اینست که اگر اسفار اربعه جامع و درست ترجمه و تشریح شود نمیتواند با مدینه فاضله و آرمان شهر بیگانه باشد و بسط و شرح صحیح سفر چهارم، یعنی سفر فی الخلق بالحق، طرح کلی و جامع همین مدینه فاضله میباشد. حقیقت اینست که اصول کلی آن، البته بر محوریت انسان کامل فرهیخته، در آثار حکیمان بویژه حکیمان اسلامی و بخصوص ملاصدرا قابل اصطیاد و استنباط است. در این مقاله سعی میشود این آرمان شهر و مدینه فاضله با استفاده از آثار

ملاصدرا و همچنین تطبیق اصول آن با متون دینی و وحیانی، مورد بحث و تحقیق قرار بگیرد.

**کلیدواژه‌ها:** آرمان‌شهر، عقل، وحی، انسان کامل، حکمت متعالیه.

## تحلیل و بررسی مراتب نفس و تطبیق آن بر زمامداری و حکومت از دیدگاه ملارجبعلی تبریزی

مهدی عسگری\*

ملارجبعلی تبریزی از فیلسوفان عصر صفوی است که نزد شاه عباس دوم از منزلت و جایگاه والایی برخوردار بوده است. یکی از پرسشهایی که شاه عباس دوم از تبریزی پرسیده دربارهٔ مراتب و درجات انسانی است. تبریزی در پاسخ درجات انسانی را به سه قسم تقسیم کرده است: نفوس عالیه، نفوس متوسطه و نفوس سافله. او ضمن پاسخ مشخص میکند که هر کدام از این نفوس برای ادارهٔ مملکت و مدیریت جامعه باید چه جایگاهی داشته باشند. مسئلهٔ اصلی این مقاله تبیین و نقد نظریهٔ رجبعلی تبریزی دربارهٔ نفوس انسانی است. تا حد اطلاع نگارنده، تقسیمبندی نفوس انسانی به این شکل و بهره‌برداری از آن در مسائل سیاسی و اجتماعی در نوشته‌های دیگر فیلسوفان اسلامی چندان مورد توجه نبوده است. روش این مقاله کتابخانه‌یی و تاریخی است و نتیجهٔ اجمالی‌یی که این پژوهش به آن دست یافته اینست که گویا تبریزی تحت تأثیر اندیشه‌های افلاطونی به این نظریه را مطرح کرده است. بهمین دلیل میتوان گفت او با توجه پیش‌فرضهای متافیزیکی ادارهٔ حکومت را به شاه صفوی توصیه میکند که این خود میتواند محل مناقشهٔ جدی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ملارجبعلی تبریزی، شاه عباس دوم، شایسته‌سالاری، انواع نفس انسانی.

## امامت و مفهوم فلسفی آن با نگاه به آراء خواجه نصیرالدین طوسی

فاطمه علی محمدی مرویلی<sup>۱</sup>، اعلی تورانی<sup>۲</sup>

پژوهش حاضر با عنوان مفهوم فلسفی امامت از نظر خواجه طوسی، با هدف تبیین مفهوم امام و امامت از نظر اصطلاحی و لغوی و ارائه نظریات علمای شیعی در مورد واژه امام و امامت و ارتباط آن با پیامبری و نبوت و دیدگاههای مهم و تأثیرگذار خواجه نصیرالدین طوسی نوشته شده است. در این پژوهش از کتابهای کلامی و تفسیری استفاده شده و بروش توصیفی - تحلیلی بررسی و تدوین گردیده است. از مهمترین دستاوردهای این پژوهش اینست که امام همان جانشین پیامبر و هدایتگر مردم عادی است که لازم است عصمت داشته باشد و هیچ عیب و کموکاستی در اعتقادات و رفتار او وجود نداشته باشد. او حجت خداست و از جانب خداوند انتخاب میشود و وظیفه اش هدایت مردم در حفظ کردن دین و مصالح دینی و دنیوی است. خواجه معتقد است امام بطور مستمر در جهان هستی وجود دارد و زمین خالی از امام و راهنما نیست؛ آنها شریعت و دین را بصورت صحیح حفظ میکنند و هر کس که به آنها اقتدا کند بیشک سعادتمند میشود و اگر کسی از آنها دور شود، بهلاکت میرسد.

**کلیدواژه‌ها:** امام، شریعت، مفهوم فلسفی امامت، نبوت، ولایت.

۱. دانش‌آموخته دانشگاه الزهراء(س)؛ f.alimohamadi9374@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه الزهراء(س)؛ Toran@Alzahra.ac.ir

## واکاوی حکومت حکیمانه در نگرش فلاسفه اسلامی

تورج فلاح مهنه<sup>۱</sup>، وحیده مرادیان محمدیه<sup>۲</sup>

یکی از اساسیترین مفاهیم علم سیاست، «حکومت» است که تحقق‌بخش مسئلهٔ جانشینی انسان از سوی خدا در زمین و ضرورتی حیاتی برای نوع بشر است. از سویی، حکومت مطلوب نزد فلاسفهٔ اسلامی حکومتی است که شخصی حکیم در رأس آن قرار داشته باشد تا بتواند امور حکومت را عالمانه، خردمندانه و مدبرانه انجام دهد. هدف پژوهش حاضر واکاوی حکومت حکیمانه در نگرش فلاسفهٔ اسلامی (فارابی، ابن‌سینا، سهروردی و خواجه نصیرالدین طوسی) است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان میدهد که در نگرش فیلسوفان اسلامی حکومتی حکیمانه خواهد بود که حاکمی حکیم داشته باشد. «حکمت» آنگونه که فلاسفه گفته‌اند؛ عبارتست از قضایای حقه‌یی که مطابق با واقع باشد؛ یعنی بنحوی مشتمل بر سعادت بشر باشد، مانند معارف الهی درباره مبدأ و معاد؛ یا اگر مشتمل بر معارفی از حقایق عالم طبیعی است، معارفی باشد که باز با سعادت انسان سروکار داشته باشد، مانند حقایق فطری که اساس تشریح و قانونگذاری دینی را تشکیل میدهد. فلاسفه با توجه به معنای حکمت آن را به دو قسم حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم

---

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت حیدریه.

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت حیدریه (نویسنده مسئول)؛  
v.moradian1400@gmail.com



کرده‌اند؛ حکمت نظری عبارتست از شناسایی و علم به احوال اشیاء و موجودات، آنچنانکه هستند و حکمت عملی عبارتست از علم به اینکه رفتار و کردار آدمی، یعنی افعال اختیاری وی چگونه باید باشد. بنابراین حکمت رسیدن به حق با عقل و علم را گویند و حکیم نیز به شخصی اطلاق میشود که کار را بر اساس عقل و علم و در مسیر حق انجام میدهد. و در زمان حاضر حکومت مبتنی بر ولایت فقیه را میتوان نمونه‌یی از حکومت حکیمانه قلمداد نمود که برگرفته از آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان است.

**کلیدواژه‌ها:** حکومت حکیمانه، فلاسفه اسلامی، فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی.

## تبیین نظریهٔ ولایت فقیه در اندیشهٔ فلسفی صدرالمتهلین

محسن کردلو<sup>۱</sup>، امیر مرادی<sup>۲</sup>

هدف تحقیق حاضر، تبیین نظریهٔ ولایت فقیه در اندیشهٔ فلسفی صدرالمتهلین است. پژوهش حاضر از پژوهش‌های کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ ملاصدرا در حکمت فلسفی خویش تأکید دارد که جامعه نیز مانند فرد نیازمند مدبر و خلیفه است؛ زیرا کسی که هدایت و ولایت جامعه را برعهده دارد، فراتر از جامعه و زمان خود است. بنظر میرسد صدرالمتهلین برای فردی که فیلسوف نباشد، ولایت قائل نیست، بلکه ولایت را متعلق به فقیهی میداند که جامع فقهین (فقه الاکبر و فقه الاصغر) باشد، مانند امام زمان در زمان حاضر. بنابراین فرق ولایت فقیه در حکمت متعالیه با سایر حکمتها، در اینست که در حکمت متعالیه، جامع فقهین، ولی است، اما در حکمت‌های دیگر، بنظر میرسد فقیه بصورت تک بعدی نیز میتواند در جایگاه ولی قرار گیرد. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که ولایت فقیه در اندیشهٔ فلسفی ملاصدرا جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا بزعم او انسانها درجاتی مختلف دارند (نبی برترین انسان) که نمیتوانند امور خویش را بتنهایی اداره کنند و به مدبر و فردی شایسته نیازمندند.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت فقیه، حکمت فلسفی، جایگاه ولی فقیه.

---

۱. دانش‌آموخته دورهٔ دکتری فلسفهٔ تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، مدیر مدرسه عمار ۲ کرج؛ mohsenkordlo@yahoo.com  
۲. استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه؛ amirmoradi8@yahoo.com

## تقریر علامه طباطبائی از نسبت میان مراحل استکمال نفس با ولایت تکوینی

حسین کلباسی اشتری \*

مقوله «ولایت» مقام ویژه و قلمرو وسیعی را در زمینه اصول اعتقادی و ادبیات اخلاقی و عرفانی اسلام به خود اختصاص داده است. شاهد بر این معنا، تألیف و تصنیف صدها اثر مجمل و مفصل است با همین عنوان، به زبانهای مختلف. علامه طباطبائی(ره) در رساله مختصر الولاية، ضمن تعریف ولایت به کمال حقیقی اخیر برای انسان، در طی پنج فصل به تقریری بدیع از این عنوان در نسبت با مراحل و مراتب کمالیه آدمی پرداخته که بیشک در مقایسه با سایر آثار مشابه، از وجوه ممیزه‌یی بقرار ذیل برخوردار است:

۱. حقیقت ولایت عبارتست از نیل به مقام قرار گرفتن تحت سرپرستی خداوند و این همان درک باطن شریعت و احکام دین است.
۲. تقسیم و تفکیک طبقات و اصناف آدمیان بمیزان معرفت نسبت به حقیقت عبادت و نسبت و ملازمت میان عبادت و معرفت که همان معرفت حق است.
۳. تقریر نسبت میان معرفت حق با معرفت نفس بشیوه اهل طریقت و البته به اتکاء اصول عقلی و تطبیق آن با نصوص آیات و روایات.

۴. تقریر عمومیت راه رستگاری و وصول به غایات هستی برای تمامی نفوس بشری و تعمیم راه ولایت و سرپرستی خداوند، بقدر و اندازه معرفت آدمی.

۵. و سرانجام ارائه چارچوبی منضبط و منسجم از طریق معنوی معرفت خداوند با مقدمه معرفت نفس بشیوه کاملاً برهانی و استدلالی و پرهیز از شیوه ذوقی و کشفی صرف مطابق مشی عموم اهل عرفان.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت، استکمال نفس، معرفت رب، مشی برهانی، علامه طباطبائی، الولایه.

## تبیین فلسفی انسانشناسی اسلامی و دلالت‌های آن در پرورش انسان کامل با تأکید بر قرآن و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

امیر مرادی<sup>۱</sup>، محسن کردلو<sup>۲</sup>

هدف پژوهش حاضر، تبیین انسانشناسی اسلامی و دلالت‌های آن در پرورش انسان کامل با تأکید بر قرآن و سند تحول بنیادین است. این تحقیق از جنس تحقیق‌های کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) و روش استنتاجی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ مهمترین مبانی انسانشناختی اسلامی شامل درهم تنیدگی جسم و روح، اصالت، جاودانگی و غیرمادی بودن روح، برخورداری از فطرت الهی، بهره‌مندی از عقل و خرد، برخورداری از اراده و اختیار، بهره‌مندی از هویت و چند وجهی بودن آن، برخورداری از کرامت (ذاتی و اکتسابی) و مقام خلیفه‌اللہی و ضعفها و محدودیتهاست. بر اساس مبانی فوق و گزاره‌های ناظر بر آنها، اهداف پرورش انسان کامل در سه حوزه من طبیعی، من انسانی و من الهی استنتاج می‌گردد. اصول پرورش انسان کامل شامل اصلاح ظاهر و تحول باطن، تقویت پیوند قدسی، عقل‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، تعامل و مشارکت اجتماعی، تناسب تکلیف و ظرفیت و حفظ و ارتقای کرامت است. روشهای پرورش انسان کامل شامل تلقین و تحمیل به نفس، اعطاء بصیرت و دعوت به ایمان، مواجهه با نتایج اعمال و

۱. استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه؛ amirmoradi8@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، مدیر مدرسه عمار ۲ کرج؛ mohsenkordlo@yahoo.com

آزمودن، تکلیف به قدر وسع و مجازات به قدر خطا، ابراز تواناییها و استعدادها، تزکیه و تعلیم حکمت است. در پایان میتوان چنین نتیجه گرفت که در تربیت اسلامی بر خلاف نظامهای تربیتی دیگر، عناصر تربیتی هر سه حوزه من طبیعی، انسانی و الهی (با محوریت من الهی) در یک کل منسجم و هدفدار برای تحقق انسان کامل مورد توجه قرار میگیرد.

**کلیدواژه‌ها:** انسانشناختی اسلامی، دلالت، انسان کامل، قرآن، سند تحول بنیادین.

## دموکراسی در اندیشه افلاطون و فارابی و نقش آموزش عالی و عمومی در قبال آن

رضا ماهوزی\*

اگرچه افلاطون و فارابی در حوزه اندیشه سیاسی عمدتاً با نظریه معروف «فیلسوف شاه» معرفی شده و گاه بعنوان دشمن یا دشمنان جامعه باز (دموکراسی) از آنها یاد میشود، اما در واقع چنین نیست. برای دفع این برداشت اشتباه لازم است در بازخوانی آراء سیاسی آنها درباره حکومت‌های مردمی و کثیر الآراء، همزمان به دو لایه ایده و واقعیت امر سیاسی توجه داشت. این تفکیک خواننده را قادر میسازد نظریه سیاسی افلاطون و فارابی را به اقتضای منطقی‌های متفاوت در دو سطح ایده - واقعیت تحلیل کند و مانع از تسری نقدهای آن دو بر حکومت دموکرات در سطح نخست، به همین حکومت در سطح دوم شود. بر این اساس میتوان نظریه‌ی منسجم از این دو فیلسوف در باب دموکراسی و دفاع از آن بعنوان حکومتی مقبول - که زحمت و دردسر آن از دیگر حکومت‌های عینی و انضمامی کمتر است - مشاهده کرد. بر اساس این تفکیک میتوان دو سطح از آموزش شهروندان را نزد افلاطون و فارابی برای زیستن و فعالیت در نظام‌های سیاسی مطلوب شناسایی کرد؛ آموزش نخبگانی و عالی ویژه حکومت تماماً عقلانی فیلسوف شاه، و آموزش عمومی - تخصصی ویژه حکومت آزاد و دموکرات

توده‌ها (دموس). این نوشتار سعی دارد دو کارویژه نظام آموزشی شامل مهارت و فضیلت را در دو وضعیت وحدت و تغایر فضایل مورد بررسی قرار داده و نشان دهد چگونه آموزش میتواند قوام یک جامعه منسجم را شکل داده و ارزشهای بنیادین نظام سیاسی مطلوب را در هر دو سطح ایده و واقعیت نهادینه ساخته و استمرار بخشد.

**کلیدواژه‌ها:** نظام سیاسی، دموکراسی، آموزش عالی، آموزش عمومی، افلاطون، فارابی.



## تحلیل فلسفی روابط شبکه‌یی بشری با حفظ عناصر حکمرانی و رفتارهای تابع و متبوع

رضا محمدزاده\*

روابط اجتماعی شبکه‌یی یکی از موضوعات جامعه‌شناختی نوین است که بر اصول رفتار جمعی انسانها مبتنی است. با پیشرفت تکنولوژی و فراهم آمدن بسترهای جدید ارتباطی، الگوهای متعددی برای روابط مذکور در قالب انواع شبکه‌های ارتباطی که مبنای آن در ذهن و سلوک انسانها در دل تاریخ وجود داشته، از رشد و توسعه‌یی عجیب و شگرف برخوردار شده است. این توسعه به اندازه‌یی است که امروزه در بسیاری از ابعاد زندگی بشر ورود کرده و حتی در تعیین قلمرو خواسته‌ها و تمایلات تابع و متبوع بشری نقش اساسی یافته است. در آموزه‌های حکمت اسلامی و صدرایی که تا حد زیادی علاوه بر صبغه حکمی و فلسفی، متأثر از مشربهای عرفانی و مؤید به تأییدات قرآنی و روایی است، شبکه ارتباطی موجودات بر مبنای وجودشناسی خاص استوار میباشد. اگر چارچوبها و ملاکها و ضوابط این ارتباط شبکه‌یی بدرستی تصویر گردد، مبنای جالب توجهی هم در مورد کاربردی شدن حکمت صدرایی و هم در طراحی نمونه‌ها و الگوهای کاراً برای روابط اجتماعی شبکه‌یی سالم و خردورزانه و مبتنی بر حکمت و دانش، فراهم خواهد شد. بسیاری از نویسندگان برای یافتن مباحث

اجتماعی در آموزه‌های حکمی اسلامی تلاش کرده‌اند اما اگر به نقاط اتصال ارتباطات شبکه‌یی که مورد نیاز انسانهاست با روابط وجودی شبکه‌یی که از آموزه‌های حکمی اسلامی قابل برداشت است، توجه دقیقتر مبذول گردد، تبیین استوارتری اخذ می‌گردد. در این تبیین، مفاهیمی همچون: حکومت، ولایت و حکم نیز جایگاه خود را خواهد یافت. نویسنده در این مقاله بدنبال اثبات و بحث از اصول فلسفی همانند ذومراتب بودن وجود، سیطرهٔ مراتب علوی وجود بر مراتب دانی آن، متساق دانستن روابط وجودی با اقسام نسبت‌های حاکمی محکومی جهان و ... نیست، بلکه با قرار دادن اصول و مبانی مذکور در بستر تلقی شبکه‌یی از روابط اجتماعی تلاش خواهد کرد نشان دهد آنچه انسان امروز، ضرورت آن را بنحوی دقیق دریافته، از مبانی ریشه‌دار عقلی و حکمی برخوردار است که اگر تکنیکها و روشهای تحقق روابط شبکه‌یی بر آن مبانی استوار گردد، ملاک‌هایی دقیقتر در مورد انتخابهای خردمندانه‌تر دربارهٔ الگوهای شبکه‌یی ارائه خواهد کرد.

**کلیدواژه‌ها:** شبکهٔ اجتماعی، روابط شبکه‌یی، رفتارهای جمعی، رفتارهای انسانی، مبانی صدرایی رفتار اجتماعی، وجودشناسی شبکه‌یی رفتار انسانی.

## بررسی اصالت وجود در حکمت تائوئی و تبعات اخلاقی آن

نرگس مرادی\*

در راستای تعامل اندیشه‌ها و رابطه اخلاق عملی با حکمت، این مقاله کوشیده است با استفاده از یکی از مهمترین مبانی اندیشه ملاصدرا یعنی اصل «اصالت وجود و اعتباریت ماهیت» تحلیلی از تبعات اخلاقی برآمده از این اصل، در حکمت تائوئی ارائه کند. بهمین منظور بخش اول مقاله به اثبات این مدعا اختصاص یافته که حکمت تائوئی همانند حکمت صدرایی یک حکمت اصالت وجودی است. در بخش میانه از تبیین ملاصدرا از ارتباط وجودشناسی عرفانی و اخلاق بعنوان پیوند و مقدمه‌یی برای مدعای دوم استفاده شده است تا نشان داده شود که مبنای اخلاق یا اساس طریقت در حکمت تائوئی اصل «اصالت وجود و اعتباری دانستن ماهیت» است. در تائوئیسم نیز اصل «اصالت وجود» مبنای نظری تلقی انسان فرزانه از هستی و هستنده‌هاست که این نگرش، لوازم اخلاقی خاصی را نتیجه میدهد.

**کلیدواژه‌ها:** اصالت وجود، اخلاق، فرزاندگی، حکمت متعالیه، تائوئیسم.

## حکومتِ حکمت در حکمت متعالیه؛ مبانی و کارکردها

سیدمحمدهادی مقدسی\*

راهبری حکومت توسط حکمت، از مضامین اصلی حکمت سیاسی اسلامی و بطور کلی فلسفه‌های فضیلت‌گراست. حکومت حکمت در عرصه زیست سیاسی را میتوان در دو سطح بررسی کرد. نخستین سطح آنست که حکومت حکمت بر چه بنیادهای استوار است و با تکیه بر کدام مبانی باید راهبری حکومت را بدست حکمت سپرد. در پاسخ به این پرسش و با مراجعه به حکمت متعالیه درمی‌یابیم که صدرالمآلهین افزون بر ارائه پاسخهای مشابه با دیگر حکیمان، پاسخی اختصاصی نیز به این پرسش داده است و آن بهره‌گیری از آموزه‌های اصیل حکمت نظری الهی برای تبیین مسائل حکمت سیاسی است؛ درواقع او امتداد اجتماعی و سیاسی حکمت متعالیه را کاویده است. بدین منظور، ملاصدرا در شرح روایات کتاب «الحجة» اصول کافی، از آموزه «امکان اشرف» برای توجیه حکومت حکمت بهره‌برداری کرده است. در دومین سطح، کارکردهای عینی حکومت حکمت در روابط میان حکومت و شهروندان بررسی میشود. تنظیم روابط سیاسی بر مبنای حکمت به تعالی شهروندان می‌انجامد و در حقیقت حکومت به ابزاری برای راهنمایی و ارشاد به مقصود نهایی حیات آدمی تبدیل میشود. چنین کارکردی از دیدگاه سلبی به مردود بودن رویکرد قدرت‌محوری در حکومت و سیاست منتهی میشود و

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ smohamadhml@gmail.com

زمینهٔ بروز هرگونه ستمگری را از میان برمیدارد و در مقابل، بستری مناسب برای شکوفایی اراده و اختیار آدمیان در زمینهٔ تعالی سیاسی را فراهم میسازد. این مقاله از روش توصیف و تفسیر بهره میگیرد تا در دو قسمت، مبانی و کارکردهای حکومتِ حکمت در حکمت متعالیه را واکاوی کند.

**کلیدواژه‌ها:** حکومت، حکمت، اذن الهی، امکان اشرف، فضیلت، استحقاق، سعادت، تربیت سیاسی.

## ملاصدرا، تأویل علیت به ظهور و تجلی و تبیین ولایت عرفانی انسان کامل

غلامعلی مقدم\*

فلسفه عرفان و دیگر مکاتب فکری، دلمشغول شناخت و تبیین واقعیتند. واقعیت و شناخت، لایه‌های طولی متفاوتی دارند. الفاظ و اصطلاحات در نسبت با درجات شناخت معنا می‌یابند بر اساس این قاعده، ولایت، نبوت، خلافت، انسان کامل و... نیز در نظامهای شناختی متنوع، مراتب متعدد و معانی مختلف پیدا میکنند. ظهور و بطون عرفانی یکی از نگرشهای شناختی در تفسیر واقعیت است که هستی را بمثابة حقیقت واحد باطنی و کثرات را تجلی و ظهور همان حقیقت واحد تلقی میکند. بر اساس این نگاه، ولایت، نبوت، خلافت، انسان کامل و ... نیز معنایی عمیقتر پیدا میکنند. مسئله تحقیق حاضر اینست که آیا میتوان ولایت و خلافت عرفانی و بتبع آن، مسئله انسان کامل را که در نظام شناختی عرفا و با مبانی عرفانی ادعا شده است، بشیوه عقلی و استدلالی تبیین نمود؟ ملاصدرا با بهره‌مندی از میراث فلسفه اسلامی موفق شد بسیاری از نتایج عرفانی از جمله مسئله ولایت و انسان کامل را بر مبنای اصول و مبانی حکمی تبیین نماید. در این مقاله تلاش صدرالمتألهین در ترقی علیت به ظهور و تجلی و تأثیر آن در تبیین ولایت عرفانی و خلافت انسان کامل، مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، حکمت متعالیه، ولایت عرفانی، انسان کامل، تأویل علیت به ظهور.

## نسبت عقل و شرع در حکومت مطلوب از نظر ملاصدرا

سمیه ملکی\*

در نگرش ملاصدرا عقل، حکمت و شرع هیچگاه در تعارض و تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه همواره در تعامل با هم و مکمل یکدیگرند، او در بیانی جامع، ضمن تبیین چنین نسبتی بین عقل و وحی، اندیشمندان را از اکتفا به یکی از آنها باز میدارد و بهره‌مندی همزمان از این دو موهبت الهی را تنها راه نیل به حقایق هستی میداند، و در تلفیق میان عقل و وحی، فلسفه و دین، حکمت و عرفان و شریعت گام‌های بلندی برمیدارد، بدینصورت که در بسیاری از آثار خود یا بطور مستقیم یا بطور غیرمستقیم به این مسئله تصریح میکند و آن را در بیان اصول خود مورد توجه قرار میدهد. بنابراین ملاصدرا از یکسو با فقه و کلام و دین بدون فلسفه و حکمت و با فقیه، متکلم، و عالم دینی غیرحکیم بشدت مخالف است و آن را در مسیر حقیقت، طریقی ناقص و حداقلی میداند، و از سوی دیگر، با فلسفه‌یی که با دین و شریعت سازگار نیست و با فیلسوفی که با معارف دینی و احکام شرعی بیگانه است، موافق نیست. در نوشتار حاضر از طریق روش اسنادی، تحلیل محتوا و توصیف‌گرایانه به بررسی دیدگاه ملاصدرا پیرامون نسبت عقل و شرع در حکومت مطلوب از نظر حکمای اسلامی میپردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، عقل، شرع، حکومت.

## بررسی مسئله ولایت و خلافت از منظر شاهداعی شیرازی

محمدجواد ناسک جهرمی\*

سید نظام‌الدین محمود معروف به شاهداعی شیرازی (۷۸۱-۸۱۰ هـ. ق.) از عارفان و شاعران قرن نهم هجری قمری و از پیروان و مروّجان آثار و اندیشه‌های ابن عربی است. از شاهداعی آثاری مهم مانند مثنویهای ششگانه مشهور به «ستّه داعی» و «نسایم گلشن» در شرح گلشن راز باقی مانده است. او بعنوان شاگرد برجسته شاه نعمت‌الله ولی، به تقارن میان نبوت مطلقه و ولایت معتقد است و ظاهر ولایت مطلقه را مخصوص پیامبر اکرم (ص) که همان نبوت باشد، دانسته و باطن نبوت مطلقه و مبدأ سرّ ولایت را مختص حضرت علی (ع) میداند. در مسئله خلافت ظاهری نیز، حضرت علی (ع) را وصی‌الأوصیاء پیامبر (ص) معرفی کرده و همه خلفا و ائمه و امرا دین اسلام را در ظلّ آن امام شمرده است. او در رساله فی معنی‌الولایة و تفصیله به تقسیم معنی ولایت پرداخته و در رساله کشف‌المراتبه خاتم‌الولایه را حضرت مهدی (عج) از نسل حضرت فاطمه (س) میداند. این مقاله نشان میدهد که شاهداعی هرچند از مریدان ابن عربی است اما در مسئله خاتم‌الولایه و خاتم‌الأولیاء آراء وی را نقد کرده و با وی اختلاف نظر دارد.

**کلیدواژه‌ها:** شاهداعی شیرازی، محیی‌الدین ابن عربی، ولایت، خلافت، خاتم‌الأولیاء.



## خورشید ولایت در آئینه انسان

مسلم یزدی\*

امام معصوم در آیات، روایات و بیانیۀ گام دوم انقلاب اسلامی، به خورشید تشبیه شده است. این تمثیل پر رمز و راز، زمینه‌ی برای تعمیق امام‌شناسی و تقویت عنصر معنویت در گام دوم انقلاب است. این تحقیق که با استفاده از متون دینی به روش کتابخانه‌یی انجام شده است، به برخی از شباهت‌های امام و خورشید اشاره نموده است؛ مانند نور چشمگیر، خلاقیت دائمی، هدایت، تربیت و شفاعت جوانان انقلابی و شهادت‌طلب. البته هر انسانی فطرتاً بخشی از خورشید ولایت است. آدمی در آغاز بلوغ، نور چشم و تاج سر امام زمانش است و بعدها که آلودۀ خیالات میشود، باز تاج سر است ولی تاجی به خاک و خون کشیده‌شده و بینهایت زجرآور. او که حالا بغض‌گلوگیر امامش شده است، در اواخر زندگی مادیش یا اوایل حیات برزخیش و یا در دوران بینظیر آخر الزمان، باز شفاعت میشود و بجای اول خود باز میگردد تا بار دیگر سرباز تمدن‌ساز امام، و پاره جگر او شود.

**کلیدواژه‌ها:** نور، خیال، شفاعت، رنج، شهادت.



۲۶

نشانی دبیرخانه:

تهران، بزرگراه رسالت، رویروی مصلاي بزرگ تهران.

مجمع امام خمینی، ساختمان شماره ۱۲.

بنیاد حکمت اسلامی صدر

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹

تلفن: ۸۸۱۵۳۲۱، فاکس: ۸۸۴۹۳۸۰۳

سامانه پیامک: ۰۲۱۸۸۴۹۳۸۰۶